

برای این که انسان بتواند در دنیا خوش بخت زنده گی کند، باید از قسمتی از توقعات خود بکاهد.

www.mandegardaily.com

سال پنجم شماره یک هزار و پنجاه و هفتم دوشنبه ۲۳ اردیبهشت/ثور ۱۳۹۲ * ۱۳ می ۲۰۱۳

معاون وزیر خارجه آمریکا:

موضع ما در باره خط دیورند تغییر نکرده است

د پاکستان ټاکنو وښوده، چې ترهگر د چا کسان دي



وروسته له هغې چې د پاکستان په ټاکنو کې د نواز شریف لومړی او عمران خان دویم مقام خپل او ډېرې څوکۍ یې تر لاسه کړې یوشمېر افغان شننونکي وايي، چې د پاکستان ټاکنو کې نواز شریف او عمران خان وښوده چې په افغانستان کې برید کوونکي او جگړه کوونکي د دوی کسان دي.

هغوی وايي، چې د دوی په واک ته رسېدو سره به د افغانستان پر وړاندې د پاکستان ستراتیژي بدله نشي.

د ولسي جرگې غړی گل پاچا مجیدي ماندار ورځپاڼې ته وویل، چې په پاکستان کې د نواز شریف او عمران خان د حکومت په راتلو سره به د افغانستان پر وړاندې د دې هېواد په ستراتیژي کې کوم مثبت بدلون رانشي.

هغه وايي، نواز شریف او عمران له دې وړاندې ټولې کړنې او څرگندونې له افغانستان سره د دښمنۍ له زاویې کړې دي او اوس هم واک ته په رسېدو سره نشي کېدای د پاکستان په ستراتیژي کې د افغانستان پر وړاندې بدلون راشي. ...
ادامه صفحه ۶



صفحه ۶

احمد بهزاد نماینده هرات در مجلس:

حکومت برای برگزار نکردن انتخابات بهانه سازی می کند

کمری بازی رندانه را در شورای ملی به راه انداخته است

ما شاهد تلاش‌های پیدا و پنهان حکومت برای برآشفته ساختن فضای سیاسی کشور هستیم. تا بهانه‌ی برای تن ندادن به انتخابات را به دست بیاورند؛ مانند کشمکش در نهادهای دولتی و بی‌اعتبار کردن شورای ملی؛ همچنان تحریک‌های مصنوعی و جهت‌دار در مرز افغانستان و پاکستان و طرح غیر متقن مسأله خط دیورند از سوی رهبری دولت، نشانگر تلاش‌هایی است که در درون حکومت روی دست گرفته شده، تا فضای سیاسی و امنیتی کشور ناپایدار جلوه داده شود، تا بهانه برای عدم برگزاری انتخابات فراهم شود.



صفحه ۶

کمری به نواز شریف:

با ما در جنگ با تروریسم همکاری کنید



رئیس‌جمهوری کمری روز یکشنبه از دولت آینده پاکستان خواست تا برای پایان دادن به شورش طالبان وارد مذاکره و عمل شود. آقای کمری گفته است: ما امیدواریم دولت پاکستان راه را برای صلح و برادری با افغانستان هموار کرده و در جنگ با تروریسم و ریشه‌کن کردن مخفی گاه‌های تروریست‌ها با ما همکاری کند. وی طی بیانیه‌ی گفت: دو کشور باید با هم همکاری کنند تا از تهدید تروریسم نجات یابند. کمری همچنین مشارکت بالای رای دهنده‌گان پاکستانی در انتخابات روز شنبه را نشانی از آن دانست که مردم علی‌رغم تهدیدهای طالبان و افراط‌گرایان خواهان دموکراسی هستند. براساس یک خبر دیگر، آقای کمری طی یک تماس تلفونی با نواز شریف رهبر حزب مسلم لیگ پاکستان، پیروزی وی را در انتخابات آن کشور تبریک گفت و آن را یک پیروزی آشکار دانست.

ادامه صفحه ۷

شهروندان هرات در یک راه‌پیمایی
برضد پاکستان:

به پا خواهیم ایستاد



صدها باشندۀ ولایت هرات روز یکشنبه در یک گردمایی وسیع از نیروهای ناتو و سازمان ملل متحد خواستند تا برای پایان دادن به تنش‌ها و منازعات مرزی میان افغانستان و پاکستان، وارد عمل شوند. در این راه‌پیمایی مسالمت‌آمیز که توسط فعالان جامعه مدنی راه‌اندازی شده بود، حملات اخیر پاکستان بر افغانستان تقبیح شد.

بر اساس گزارش‌ها نیروهای مرزی... ادامه صفحه ۷

در برگ ها



جنگ
سودا اور
کمری با
پاکستان!



لیبرالیسم
سیاسی جان
رالز



قصه فاقد
وحدت طرح
است

همایش علمی
بهبود کیفیت
آموزش
حقوقی
برگزار شد



حلیمه حسینی

جنگِ سود آورِ کرزی با پاکستان!



برده، این روزها به شدت به دنبال خریدن وقت است: وقت خریدن برای ماست مالی بسیاری از مسایل که در آخرین سالهای حکومتش در قلمرو تحت فرمان وی رخ داده‌اند، ماست مالی پول‌های میلیارد دلاری بی‌که به ارگ از سوی سازمان‌های جاسوسی - استخباراتی دنیا سرازیر شده، و ماست مالی همه پرونده‌های فساد که اگر تعقیب کنی، بدون شک سر از ارگ درخواهند آورد.

همچنین جناب کرزی برای مهندسی انتخابات پیش رو و سازمان‌دهی نیروهای خودی در سازوکار انتخابات، نیاز به وقت و دقت بسیار دارد تا بتواند به نتایج دلخواه خویش دست یابد. او انتخابات را زمانی می‌خواهد که پیروزی تیمش را تضمین شده ببیند و دیگر هیچ رقیب قدرت‌مندی وجود نداشته باشد که بتواند تمهیدات او را بی‌اثر سازد.

پس باید آقای کرزی تا رسیدن به این درجه از اطمینان و آماده‌گی، از بسیج احساسات مردمی و ایجاد این تصور که تیم حاکم قصد دارد از آبرو، عزت، استقلال و تمامیت ارضی این سرزمین و ساکنانش حراست کند، سود ببرد و بی‌گدار به آب نزند.

همچنین این منش و مانور سیاسی، نه تنها تا مدتی افکار عمومی را از کنج‌کاوی و تحت فشار قرار دادن ارگ برای پاسخ به بسیاری از مسایل بازمی‌دارد و همه را سرگرم جنگ‌وستیز با پاکستان می‌سازد، که گاهی هم منجر به قدرشناسی و همدردی مردم با سناریست اصلی این برنامه

قوم‌پرست و بازی‌ابزاری‌شان با موضوع دیورند، بیشترین هزینه و قربانی را متحمل شده‌اند. این خط، از دیرباز برای افغانستان بحران‌ساز بوده و چندین دهه است که مردم ما خواسته یا ناخواسته به‌خاطر آن کشته می‌شوند. اما چه شده که آقای کرزی پس از ۱۱ سال حکمرانی، در آستانه انتخابات ۲۰۱۴ و در گرم‌گرم افتضاحاتی که اخیراً به‌بار آورده، می‌خواهد علم دیورندستیزی و پشتونستان‌خواهی را بلند کند و تمام نیروهای مردمی را در راه این ماجراجویی بسیج سازد؟

بی‌تردید که این اقدامات برای جناب کرزی هزینه‌ی در بر نخواهد داشت. زیرا اگر خونی بریزد و خانه‌ی ویران گردد، از آن شهروندان ماست که ایشان به اثبات رسانده‌اند که دل‌چسپی چندانی به جان‌ومال آن‌ها ندارند. اگر فضای پُرتنش سیاست افغانستان به سوی یک بحران و جنگ تمام‌عیار نیز برود، شاید بازم هم برای آقای کرزی اهمیتی نداشته باشد؛ زیرا آن‌چه برای او مهم می‌باشد، تداوم قدرت او و دوستانش در افغانستان است.

با بررسی حوادث روزهای اخیر، می‌توان نتیجه گرفت که جناب آقای کرزی برای رد گم کردن و منحرف ساختن افکار عمومی، دست به تلاش‌های خطرناکی زده است. افشای پول‌هایی که رییس‌جمهور کرزی به گونه پنهانی از استخبارات کشورهای مختلف دریافت می‌کرده، او را وادار نموده که برای نجات خود از بازخواست مردم، یک جنگ صوری و یا حتی واقعی را با پاکستان راه بیندازد تا در هیاهو و

این روزها همه‌جا صحبت از مشکل دیورند است و تجاوز پاکستان و قد علم کردن علیه پاکستانی‌ها و پاسخ دندان‌شکن دادن به کسانی که به‌یقین این نخستین بارشان نیست که حادثه‌ساز شده‌اند و خشم افغانستانی‌ها را برانگیخته‌اند. اما مهم‌تر از همه، توجه و دقت به این نکته است که چه شده جناب آقای کرزی به یک‌باره تا این حد قطع می‌ایستد و مردانه می‌گوید «ما خط مرزی دیورند را هرگز به رسمیت نمی‌شناسیم!»؟ چه شده که آقای کرزی با احساسات و عواطف انباشته‌شده این ملت همگام و همراه شده و علیه پاکستان موضع می‌گیرد و خط‌نوشان می‌کشد؟ و به‌راستی رییس‌جمهور کرزی و تیم همراهش، از این تحریک احساسات و تنش‌زایی میان کابل و اسلام‌آباد، به دنبال رسیدن به کدام هدف یا اهداف هستند؟

با اندکی دوراندیشی و در عین حال گذشته‌بینی و تحلیل رفتارها و حرکات جناب آقای کرزی و چرخش‌های یک‌صدوهشتاد درجه‌یی‌شان به سمت این و گاهی آن و روی گرداندن از این و پیوستن به آن، دانسته می‌شود که مسأله دیورند در نزد رییس‌جمهور کرزی به غیر از یک بازیچه و یک گمراه‌کننده اذهان عمومی، چیز دیگری بیش نیست. چرا که در طول بیش از یک دهه حکومت‌داری جناب آقای کرزی و تیم همراهش که هم قدرت سیاسی و هم قدرت اقتصادی را به‌دست داشتند، ما هیچ انگیزه و اراده‌ی قوی ضد پاکستان و یا لاقول هیچ سیاستی برای کوتاه کردن دست آن‌ها از مداخله در امور داخلی افغانستان، سراغ نداشتیم. از این‌رو، یک‌چنین شاخ‌وشرانه کشیدن‌ها برای اسلام‌آباد و سازمان‌دهی تظاهرات مردمی در ولایات مختلف و حتا کشیدن پای نسل جوان به این ماجرا، بدون شک هدفی معطوف به منافع شخصی رییس‌جمهور و یا دست‌کم معطوف به منافع تیمی و گروهی‌اش را تعقیب می‌کند که این‌گونه حتا زهر انتقام پاکستانی‌ها را به جان خریده است.

به‌رغم آن‌که جناب آقای رییس‌جمهور چند روز قبل تأکید کرد: می‌خواهد از قدرت خداحافظی کند و دوست دارد کسی را بهتر از خود بر چوکی ریاست‌جمهوری مشاهده کند، باید گفت این سخن او صرفاً ادعای کذبی‌ست که به اذهان مردم القا می‌گردد تا هیچ‌کس گمان بد نسبت به وی و تیمش نکند و آن‌ها با خیال راحت، به مهندسی اوضاع دست بزنند. اما بدیهی‌ست که کرزی، همان کرزی است و قدرت همان قدرت؛ آن‌چه تغییر یافته، فقط و فقط آرایش کلام و رفتار اوست آن‌هم برای فریب هرچه بیشتر مردم. دیورند از کی به یک غده سرطانی تبدیل شده بود؟ چه کسانی از این قضیه، بیشترین صدمه را دیده‌اند و بالاترین هزینه‌ها را متقبل شده‌اند؟ بدون شک این مردم بی‌بضاعت افغانستان بوده‌اند که طی سالیان سال ماجراجویی حکام

سخن‌ماندگار دیورندستیزی رییس‌جمهور و رسالت ما

آقای کرزی برای چندمین بار در دو هفته پسین، سخنانی تند در برابر پاکستان بر زبان راند و هم‌چنان به‌تأکید گفت که مردم افغانستان هیچ‌گاه خط دیورند را به رسمیت نمی‌شناسند.

این اظهارات، پس از بالا گرفتن نزاع‌ها بر سر پاسگاه‌های نظامی پاکستان در ولسوالی گوشته ولایت ننگرهار، صورت گرفت.

شواهد نشان می‌دهد که پاکستان از سال ۲۰۰۳ به این‌سو در آن منطقه پاسگاه‌های نظامی ساخته؛ اما حکومت افغانستان فقط در سال ۲۰۱۳ به آن واکنش نشان داده است. این واکنش نیز در برابر پاسگاه‌های نظامی پاکستان در این منطقه نه؛ بل در برابر دروازه‌یی که در این منطقه ساخته شده، صورت گرفته است.

آقای کرزی توانست در چنین فرصتی، جوی از واکنش‌ها در برابر پاکستان را در افغانستان سامان دهد و رسانه‌های مختلف نیز به گرم‌تر ساختن آن کمک کردند. برخی از جریان‌های سیاسی هم در این میدان گد شدند و از جنگ با پاکستان سخن گفتند. هیاهو چنان بلند شد که بحث سرازیر شدن پول‌های محرمانه سازمان‌های استخباراتی به آقای کرزی را خاموش ساخت و همه ذهنیت‌ها را به سوی جنگ با پاکستان و بررسی تبعات آن معطوف کرد و این‌گونه، رییس‌جمهور به مقصد رسید.

اما در این میان، روزنامه ماندگار به نکته اصلی اشاره کرد: چرا طی این‌همه سال هیچ چشمی پوسته نظامی پاکستان را در آن منطقه ندیده و چرا رییس‌جمهور بحث دیورند را با همه ابعاد و مشکلاتی که دارد، در شش‌ماه پایان مأموریت دوازده‌ساله‌اش مطرح می‌کند؟ این روزنامه، هیچ‌گاه از جنگ با پاکستان استقبال نکرد و به سازی که آقای کرزی نواخت، کف نزد و نرقصید. بلکه هیاهوی حکومت را با پرسش مواجه ساخت. اما برخی از رسانه‌ها و شماری از افراد، در صفحه‌های اجتماعی مثل فیس‌بوک ادعاهای مضحکی را مطرح و اتهام‌های ناروایی را به ماندگار وارد کردند که گویا این روزنامه از پاکستان پول دریافت کرده تا از جنگ با این کشور استقبال نکند. در پاسخ به این دسته اتهام‌های احمقانه باید گفت که رسانه ماندگار، اغراض پنهان در پشت این حرکت‌های سیاسی را درک کرده و به این دلیل، مردم را به یک جنگ ناصواب تشویق نمی‌کند. ماندگار می‌داند که بالا گرفتن جنجال مرزی و بحث دیورند، ریشه در اهداف سیاسی جناب رییس‌جمهور - از جمله مصادره کردن انتخابات - دارد.

با برپایی تظاهرات در ولایت‌های مختلف و برانگیختن پاکستان با ادعای پشتونستان‌خواهی، هر آن ممکن است اوضاع به خشونت کشیده شود و در نخستین گام، دامن انتخابات در افغانستان برچیده گردد.

بحث دیگر این است که چرا حکومت و آقای کرزی درباره واگذاری ولسوالی گوشته به پاکستانی‌ها چیزی نمی‌گویند؛ چنان‌که هیأت حقیقت‌یابی که از طرف مجلس نماینده‌گان برای بررسی چه‌گونه‌گی درگیری نیروهای مرزی با جانب پاکستانی و افراز دروازه و پاسگاه‌های آن کشور در این طرف خط، به ولسوالی گوشته فرستاده شده بود، در بازگشت اعلان کرد که این ولسوالی در سال ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ توسط حکومت آقای کرزی و امریکا به پاکستان فرخته شده است. چرا آقای کرزی در این‌باره توضیح نمی‌دهد؟ نکته دیگر این‌که: این نخستین بار نیست که ما با پاکستانی‌ها مواجه می‌شویم. در بیست‌سال گذشته، ما همواره در برابر تجاوز و مداخله پاکستان قرار داشته‌ایم و صدها جوان و فرزند این سرزمین در مبارزه با جنرالان و افسران پاکستانی، جان خود را از دست داده‌اند.

در همین نزدیک به دوازده سالی که از مأموریت آقای کرزی به عنوان رییس‌جمهور در افغانستان می‌گذرد، سربازان و افسران ما در برابر جریانی قرار گرفته‌اند که به‌شدت و به گونه مستقیم از سوی پاکستان حمایت می‌گردد. بنابراین منطقی نیست که تنها یک شهید در برابر پاکستان را بشناسیم و هزاران جوان و پیر گلگون‌کفنی که در برابر اشغال افغانستان توسط پاکستان به شهادت رسیده‌اند را نادیده بگیریم. یعنی نمی‌توانیم گوشه را ببینیم؛ اما زمین سوخته شمالی، مزار و یکاولنگ و نسل‌کشی‌های جابرانه پاکستانی‌ها در زمان امارت طالبان را نادیده انگاریم.

هرچند ولسوالی گوشته، عضوی از پیکر ماست و برای حفاظت از آن از هیچ ایثاری دریغ نخواهیم کرد؛ اما فراموش نباید شود پیش از این‌که پاکستان در این غایله مقصر باشد، حکومت و شخص آقای کرزی ملامت و مقصر هستند.

دیورندستیزی و پشتونستان‌خواهی نیز نه تنها هیچ مشکلی را حل نمی‌کند، بلکه برای افغانستان دردسرساز است. اگر ما پشتونستان‌خواه شویم، پاکستانی‌ها نیز متک‌خواه می‌شوند و ادعا می‌کنند که شمال هندوکش مربوط پاکستان است؛ چیزی که چندسال پیش، قاضی حسین‌احمد سیاست‌مدار پاکستانی مطرح کرده بود.

فراموش نشود که مصایب چندین دهه‌یی افغانستان از آدرس پاکستان، همه به دیورندستیزی ما برمی‌گردد. اشتباه بزرگ داوودخان، حکومت‌های کمونیستی و هم‌چنان دولت مجاهدین در برابر پاکستان، همین دیورندستیزی و ادعای ناحق پشتونستان‌خواهی بود. پس اگر بازم به این موقف روی بیاوریم، بدون شک یا تاریخ اندوهبار چند دهه اخیرمان تکرار می‌شود و یا این‌که در نهایت، بحث تجزیه پاکستان و به دنبال آن، تجزیه افغانستان مطرح و عملی می‌گردد.

این منش و مانور سیاسی، نه تنها تا مدتی افکار عمومی را از کنج‌کاوی و تحت

فشار قرار دادن ارگ برای پاسخ به بسیاری از مسایل بازمی‌دارد و همه را سرگرم

جنگ‌وستیز با پاکستان می‌سازد، که گاهی هم منجر به قدرشناسی و همدردی

مردم با سناریست اصلی این برنامه یعنی ریاست‌جمهوری می‌شود. با این اوصاف

می‌توان حکم کرد که جنگ و تنش اخیر کرزی با پاکستان در آستانه انتخابات

ریاست‌جمهوری، سودآورترین جنگ ممکن برای او و تیمش است که متأسفانه

قاسم‌خان اولین و آخرین قربانی آن خواهد بود؛ بلکه بعید نیست سلسله این

جنگ طراحی شده، تا رسیدن به مقصود، هزاران قربانی بی‌گناه و بی‌خبر دیگر را

تقدیم جامعه مصیبت‌زده افغانستان بکند

یعنی ریاست‌جمهوری می‌شود. با این اوصاف

می‌توان حکم کرد که جنگ و تنش اخیر کرزی

با پاکستان در آستانه انتخابات ریاست‌جمهوری،

سودآورترین جنگ ممکن برای او و تیمش است

که متأسفانه قاسم‌خان اولین و آخرین قربانی آن

نخواهد بود؛ بلکه بعید نیست سلسله این جنگ

طراحی شده، تا رسیدن به مقصود، هزاران قربانی

بی‌گناه و بی‌خبر دیگر را تقدیم جامعه مصیبت‌زده

افغانستان بکند.

حواشی آن، این رسوایی به فراموشی سپرده شود. هم‌چنین این احتمال هم وجود دارد که با داغ‌تر شدن و داغ‌تر ساختن قضیه جنگ با پاکستان، تیم حاکم به‌راحتی بتواند وضعیت کشور را اضطراری اعلام کند و تاریخ برگزاری انتخابات را مدت‌ها به تعویق اندازد.

جناب رییس‌جمهور کرزی به عنوان کسی که بیش از یک دهه طعم قدرت را چشیده و کاملاً به آن انس گرفته و از این راه حظ و نفع فراوان

پیروزی نواز شریف در انتخابات پارلمانی پاکستان



نخست‌وزیر پیشین پاکستان با اعلام پیروزی حزب خود در انتخابات پارلمانی، از رقبای خود دعوت کرد برای حل مشکلات کشور تلاش خواهند شد.

گرفتن حزب مسلم لیگ نواز بر رقبای اصلی خود، جنبش عدالت عمران خان و حزب مردم پاکستان خبر دادند. به گزارش خبرگزاری فرانسه، نواز شریف، نخست‌وزیر پیشین پاکستان در حضور طرفداران خود در لاهور، دومین شهر بزرگ پاکستان اعلام کرد: خدا را سپاس می‌گویم که به حزب مسلم لیگ فرصت دیگری برای خدمت به پاکستان عطا کرد. آرا همچنان در حال شمارش است اما از حالا معلوم است که حزب مسلم لیگ به عنوان حزب اصلی برنده خواهد شد.

از بیش از ۸۶ میلیون جمعیت واجد شرایط شرکت در انتخابات پاکستان دعوت شده بود روز شنبه برای انتخاب ۳۴۲ نماینده مجمع ملی و نمایندگان خود در چهار مجمع ولایتی رای دهند. نزدیک به ۲۷۲ نماینده به طور مستقیم و هفتاد نماینده دیگر به صورت فهرست سهمیه‌بندی انتخاب می‌شوند.

نواز شریف گفت: از همه احزاب دعوت می‌کنم برای حل مشکلات کشور با من دور یک میز بنشینند.

به دنبال انتشار اخباری مبنی بر پیروزی حزب تحت هدایت نواز شریف در انتخابات پارلمانی، شمار زیادی از طرفداران وی با تجمع در خیابان‌های مرکزی شهر لاهور به شادمانی پرداختند.

شمارش اولیه آراء حکایت از آن دارد که حزب مسلم لیگ نواز شریف بیش از ۱۰۰ کرسی از مجموع ۲۷۲ کرسی را که به رای عمومی گذاشته می‌شود، از آن خود کرده است.

با این حال، نواز شریف اکثریت مطلق آرا را نخواهد نداشت و ناچار خواهد بود که دولتی ائتلافی تشکیل دهد.

نواز شریف در جمع هواداران خود در لاهور گفت که آماده مقابله با چالش‌های بزرگی است که پاکستان با آنها روبرو است و وعده داد که تغییراتی جدی در کشور ایجاد کند.

نواز شریف در این انتخابات با حزب عمران خان، کریکت باز سابق مبارزه می‌کرد.

بر اساس نتایج اولیه، بعد از نواز شریف، حزب تحریک انصاف عمران خان بیشترین آراء را کسب کرده و به خصوص در پیشاور موفق بوده است. میزان مشارکت مردم در انتخابات حدود ۶۰ درصد اعلام کرده است که بیشترین میزان در ۳۰ سال گذشته بوده است.

داوود اوغلو:

انفجارهای ریحانلی به طور کامل به نظام سوریه مربوط می‌شود



معاون نخست‌وزیر ترکیه از دستگیری ۹ تن از عاملان انفجارهای تروریستی اخیر در جنوب ترکیه خبر داد.

بولنت آرنیچ، معاون نخست‌وزیر ترکیه در گفتگو با شبکه ان تی وی، اعلام کرد: ۹ تن از عاملان انفجارهای شهرک ریحانلی در منطقه مرزی ترکیه با سوریه بازداشت شدند.

وی مدعی شد: تحقیقات اولیه حاکی از آن است که عاملان حمله به نظام سوریه یا سازمان اطلاعات این کشور وابستگی دارند.

آرنیچ در عین حال تأکید کرد که افراد بازداشت شده ترک بوده و همگی از شهروندان ترکیه هستند.

احمد داوود اوغلو، وزیر امور خارجه ترکیه نیز اعلام کرد: به عقیده من این حمله ارتباطی به آوارگان سوریه در ترکیه نداشته و به طور کامل به نظام سوریه مربوط می‌شود.

اوغلو با طرح این ادعا که نظام سوریه برای ایجاد ناآرامی در منطقه تلاش می‌کند اعلام کرد: من معتقدم عاملان حمله تروریستی روز شنبه در جنوب ترکیه همان کسانی هستند که حمله به غیر نظامیان شهرک بانیا در سوریه را انجام دادند.

در حوادث شهرک بانیا، گروه‌های شبه‌نظامی با حمله به روستاهای اطراف این شهرک تعداد زیادی غیر نظامی از جمله زنان و کودکان را به قتل رساندند.

در همین حال منابع بیمارستانی ترکیه اعلام کردند که شمار قربانیان انفجارهای جنوب این کشور به ۴۶ تن افزایش یافته است.

اپوزیسیون هند استعفای نخست‌وزیر را خواستار شد



به دنبال استعفای وزرای عدلیه و راه آهن هند، اکنون فشارها برای استعفای نخست‌وزیر این کشور نیز بالا گرفته است.

مخالفان دولت هند خواهان استعفای مانموهان سنگ، نخست‌وزیر این کشور از حزب کنگره شده‌اند.

فشارها بر نخست‌وزیر هند که متهم به ناکارآمدی شده است، از ماه‌ها پیش در حال افزایش بوده است. وی در دوران خود شاهد رکود شدید اقتصادی بود و متهم شده به اینکه چشم خود را به روی برخی مناقشه‌های فساد مالی بسته است.

راجنات سنگ، رییس حزب مخالف «بهاراتیا جاناتا» روز شنبه گفت: دولت هند با اتهامات جدی فساد رو به رو است.

وی خطاب به خبرنگاران در شهر دهلی نو گفت: اگر نخست‌وزیر هند صادقانه به خود و همچنین درباره اینکه برای افزایش اطمینان مردم به دولت چه کار باید کرد فکر کند، درخواست یافت که هیچ گزینه دیگری به جز استعفا ندارد.

تقاضای مخالفان دولت هند پس از آن مطرح می‌شود که اشوانی کومار، وزیر عدلیه هند نسبت به آنچه که رسانه‌های این کشور در خصوص مداخله دولت در یک تحقیقات پولیس لقب دادند، استعفا کرد. همچنین پاون بانسال، وزیر راه آهن هند نیز به دنبال یک مناقشه پرداخت رشوه استعفا داد.

این استعفاها گمانه‌زنی‌هایی را در خصوص اینکه دولت اقلیت چپ‌گرای هند تا چه زمان می‌تواند با حمایت دو حزب منطقه‌یی به کار خود ادامه دهد، به وجود آورده است. حکم پنج ساله این دولت در ماه می ۲۰۱۴ منقضی می‌شود.

سوبه‌اش آگروال، تحلیلگر اندیشکده «ایندیا فوکس» اظهار داشت: آن‌ها اکنون بسیار آسیب پذیر هستند. حزب کنگره روز شنبه تلاش داشت تا جلوی افول سیاسی خود را گرفته در این راستا تأکید کرد که استعفای وزرای آن نشان دهنده عدم تحمل فساد مالی است.

دیگ ویجایا سنگ، رهبر حزب کنگره هند گفت: حزب کنگره بار دیگر صراحتاً نشان داد که اگر اتهامی در خصوص کسی وجود دارد، حتی اگر که ثابت نشده باشد آن‌ها مجبور به استعفا هستند.

العربی:

اتحادیه عرب صلاحیت توقف تجاوزهای اسرائیل را ندارد



دبیر کل اتحادیه عرب در نشست خبری بعد از جلسه فوق العاده اتحادیه عرب در قاهره تأکید کرد که اتحادیه عرب صلاحیت توقف تجاوزهای اسرائیل را ندارد.

نبیل العربی دبیر کل اتحادیه عرب در نشست خبری بعد از جلسه فوق

العاده اتحادیه درباره تجاوز شهرک نشینان اسرائیلی به مسجد الاقصی حاضر شد. العربی با محکوم کردن تجاوزهای اخیر اسرائیل به سوریه گفت: اتحادیه عرب هیچ صلاحیتی برای توقف تجاوزهای اسرائیل به سوریه را ندارد.

نمایندگان دائمی اتحادیه عرب نیز هجوم اخیر شهرک نشینان اسرائیلی به مسجد الاقصی را محکوم کردند و تأکید کردند که نمی‌توان در برابر این اقدام سکوت کرد.

دبیرکل اتحادیه عرب همچنین با تأکید بر لزوم پابندی به توافق ژنو ۲ برای توقف خشونت در سوریه گفت: در همه درگیری‌های مسلحانه در تاریخ معاصر گروه‌هایی وجود دارند که از طرف‌های نزاع حمایت می‌کنند و درباره سوریه نیز برخی به معارضان سلاح می‌دهند و برخی به حکومت سوریه و ما نمی‌توانیم این مسأله را متوقف کنیم.

وی همچنین در مورد ادامه مأموریت اخضر ابراهیمی فرستاده مشترک سازمان ملل و اتحادیه عرب گفت: ابراهیمی به مأموریت خود ادامه می‌دهد و در حال رایزنی برای اجرای نشستی در مورد سوریه است.

العربی افزود: روسیه نیز اخیراً دریافته که تنها مردم سوریه می‌توانند سرنوشت اسد را تعیین کنند و این موضع کاملاً صحیح است.

نشست فوق العاده اتحادیه عرب در پی درخواست اردن و فلسطین از دبیر کل اتحادیه عرب برای بررسی تجاوز اخیر اسرائیل به مسجد الاقصی برگزار شد.

گاردین

گزینه مناسب در سوریه چیست؟

غیراخلاقی به نظر نخواهد رسید. این روند می‌تواند باعث شود تا به این نتیجه برسیم که آیا بوسنی دیگری مقابل چشمان ما در حال شکل‌گیری نیست؟

با این حال در یک دوره زمانی طولانی‌تر، تداوم درگیری‌ها با استفاده از مسلح کردن مخالفان به نظر کمتر جذاب می‌رسد و شاید تکرار جنگ عراق باشد. شاید این روند به وسیله‌ای برای کشتار روزانه شهروندان سوری بدل شود و باعث شود تا کشورهای حامی دولت سوریه چون روسیه و ایران به ارسال سلاح و تجهیزات جنگی پیشرفته‌تر به نیروهای حامی اسد بپردازند.

چرا باید فکر کنیم که اسد، حزب‌الله و ایران بایستی از جنگی که به موجودیت‌شان بستگی دارد، دست بکشند؟

و پیروزی آنها در حال حاضر دقیقاً به چه چیزی شبیه خواهد بود؟ سوریه رها از اسد نیز هم‌چنان اقلیت مسلح علوی این کشور را در بیم جانانشان قرار خواهد داد.

جنگ داخلی سوریه در نهایت باعث می‌شود تا سقوط اسد در بازه زمانی طولانی‌تری صورت گیرد. علاوه بر این، پیروزی در کشمکش‌های سوریه تضادها میان گروه‌های رقیب سوری را آشکار خواهد کرد. کاملاً معلوم است که سوریه پس از اسد، لیبیا دیگری خواهد بود.

تمامی این موارد باعث مطرح شدن یک مورد جایگزین درخصوص جنگ سوریه می‌شود که همان کاهش تنش‌هاست؛ موردی که به صورت زنجیره‌ای طولانی از تعهدات است که حتی می‌تواند در داخل سوریه به عنوان یک وطن‌فروشی مطرح شود. این روش با فشار بر کشورهای حوزه خلیج فارس امکان پذیر خواهد بود تا به مخالفان دولت سلاح ندهند. اگر این اتفاق رخ ندهد، هیچ راه‌حل سیاسی‌ای امکان‌پذیر نخواهد بود.

همچنین این روند بدان معناست که مخالفانی که خانواده‌هایشان با استفاده از تسلیحات دولت اسد قتل عام می‌شوند، قبول کنند که وی همچنان بخشی از روند گذار در سوریه باشد. توافق بر سر این کار برای جان کری و سرگئی لاوروف تنها ۲۴ ساعت وقت می‌گیرد.

برای کشورهای حامی دولت اسد چون روسیه قطع حمایت نظامی از حکومت دمشق باید به این شرط باشد که اسد برای دولت انتقالی یک برآیند باشد نه یک پیش‌شرط.

تنها با نرساندن اکسیژن به آتش این جنگ است که می‌توان طرفین را به پشت میز کشاند؛ اقدامی که نیازمند اعمال فشار پیوسته تمامی گروه‌ها و طرف‌های درگیر است.



فرانسه به دنبال این است که جبهه النصره را که یکی از مخالفان افراطی اسد است، به عنوان یک سازمان تروریستی اعلام کند و برای این منظور سازمان ملل را تحت فشار قرار می‌دهد. دومین مورد گزینه دیپلماسی است که در آن اسد سرانجام موافقت کند تا از سمت خود کناره‌گیری کند.

اما حقیقت این است که جامعه بین‌الملل با دو گزینه نگران‌کننده‌تر و ناخوشایندتر مواجه است. یکی از آنها نظامی‌گری کامل با استفاده از ایجاد مناطق پرواز ممنوع و تسلیح مخالفان با استفاده از سلاح‌های سنگین است و دیگری همانطور که در گزارش شورای روابط خارجی اروپا آمده، ناکامی کنونی درخصوص جنگ سوریه ناشی از ناتوانی در انتخاب میان دو گزینه است که آنها راه‌حل‌های نظامی و دیپلماتیک هستند.

در مورد گزینه نظامی باید گفت که خود غرب به ویژه در جنگ داخلی در سوریه طی روزهای اخیر نشان داده که تا چه حد می‌تواند به صورت بالقوه کل منطقه خاورمیانه را بی‌ثبات کند. پس از حملات هوایی اسرائیل به سوریه، حزب‌الله اذعان کرده که نیروهایش در کنار نیروهای بشار اسد، رییس جمهوری سوریه با تهدیدهای خارجی و اقدامات مخالفان مقابله می‌کنند و به سوریه پیشنهاد داد تا با رزمندگان کاملاً مسلح حزب‌الله به این حملات پاسخ دهد.

با دخیل بودن حزب‌الله در تضمین امنیت مجرای ارتباطی اسد با دریا و در حالی که تنش‌ها میان دولت نوری المالکی، نخست‌وزیر شیعه عراق با تظاهرکنندگان در ولایت‌های سنی‌نشین این کشور بالا گرفته، پیش‌بینی این امر سخت نیست که درگیری در منطقه در عراق، سوریه و لبنان به راحتی ادامه یابد؛ جنگی که تاکنون در سوریه باعث کشته شدن ۷۰ هزار تن، بی‌خانمانی ۴ میلیون نفر از ساکنان این کشور و فرار یک میلیون نفر به کشورهای همجوار شده و می‌تواند بدتر هم شود.

و به همین دلیل است که باراک اوباما، رییس جمهوری امریکا حق دارد در برابر فشارهای دولت‌های انگلیس و فرانسه برای مسلح کردن مخالفان دولت سوریه مقاومت کند و به جای آن اقداماتی را برای سازش بین‌المللی با روسیه انجام دهد.

در حالی که ارتش آزاد سوریه در حال از دست دادن موقعیت و احتمالاً اتحاد خود در کشور است - تمام یگانهای این ارتش در حال مغلوب شدن از نیروهای حرفه‌ای‌تر جبهه النصره هستند که با القاعده در ارتباط است - مشخص شده تسلیح برنامهریزی شده مخالفان با استفاده از سلاح‌های پیشرفته راه حل تغییر در توازن قوا نیست.

اسد ممکن است کنترل خود را بر بسیاری از مناطق سوریه از دست دهد اما ارتش وی پیوستگی و اتحاد خود را هیچ‌گاه از دست نمی‌دهد چرا که از قدرتی عظیم و کوبنده برخوردار است و هیچ نشانی هم از اینکه اسد در آینده نزدیک سقوط کند، وجود ندارد.

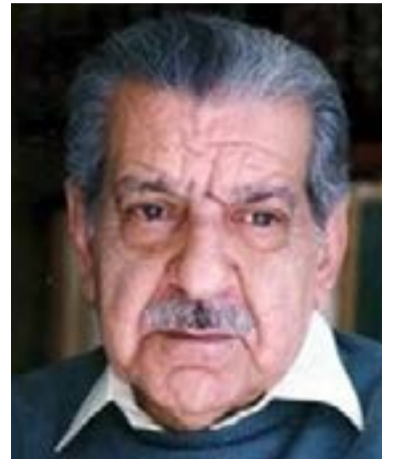
حقیقت امر این است که تمامی کشورهایی که از گروه‌های مخالف دولت اسد حمایت می‌کنند دو گزینه پیش رو دارند که هیچ یک از آنها آسان نیست. همانطور که در گزارش منتشر شده روابط خارجی شورای اروپا آمده، ناکامی کنونی درخصوص جنگ سوریه ناشی از ناتوانی در انتخاب میان دو گزینه است که آنها راه‌حل‌های نظامی و دیپلماتیک هستند.

در مورد گزینه نظامی باید گفت که خود غرب به ویژه

بخش نخست

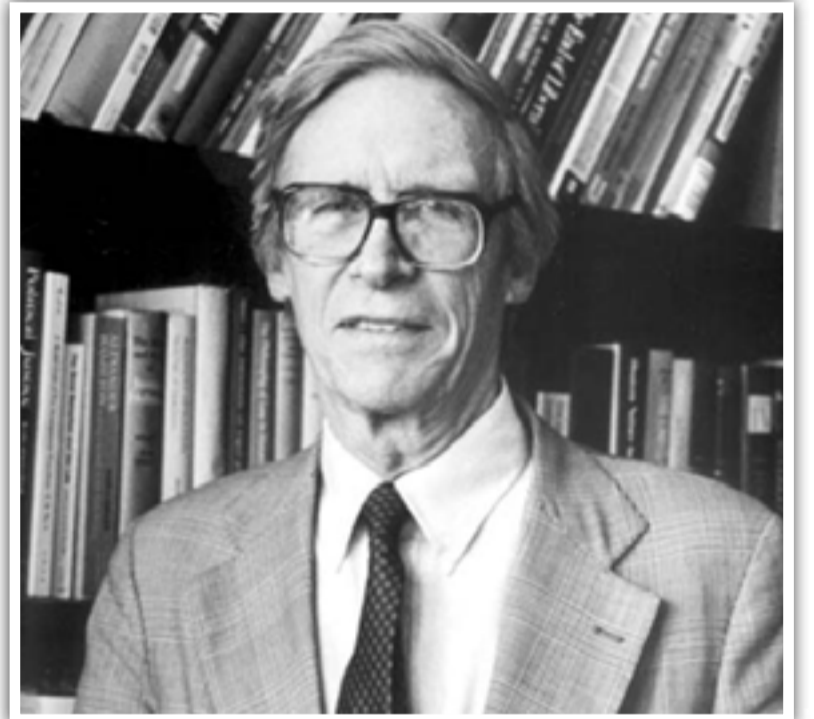
لیبرالیسم سیاسی جان رالز

عزت‌الله فولادوند



لیبرالیسم سیاسی جان رالز از دو بخش تشکیل می‌شود. یکی خود لیبرالیسم و دیگری لیبرالیسم به نحوی که در فلسفه سیاسی جان رالز پروراند و تفسیر شده است. رالز به مکتب لیبرالیسم تعلق دارد، اما ابتدا باید محتوای این جمله را مشخص کنیم، زیرا اولاً تعابیر بسیار مختلفی از لیبرالیسم وجود دارد که بعضی اوقات کار را به تقابل می‌کشاند و ثانیاً در برخی کشورها لیبرالیسم تحت تأثیر افکار و

باهم سازگاری طبیعی ندارند، وجود چارچوبی از قواعد لازم است که افراد بتوانند به آن اعتماد بکنند و بدانند چه امتیازاتی باید به دیگران بدهند تا آن‌ها هم به هدف‌های خودشان برسند. پس کار بزرگی که فلسفه سیاسی باید هدف خود قرار بدهد، طرح‌ریزی یک چنین چهارچوب قابل اعتمادی است که نه تنها افراد را به مقاصدشان برساند، بلکه بین هدف‌های گوناگون افراد مختلف سازش برقرار کند. لیبرالیسم را از نظر مطالعه ممکن است به لیبرالیسم سیاسی و فلسفه سیاسی لیبرالیسم تقسیم بکنیم. لیبرالیسم سیاسی عبارت از این است که محور در سیاست عملی، دموکراسی، حکومت قانون، آزادی سیاسی و آزادی بیان، تساهل در امور اخلاقی و دینی و طرز زنده‌گی و مخالفت با هرگونه تبعیض بر مبنای نژاد، جنسیت، قومیت و زبان و سرانجام احترام به حقوق فردی است. برخی از انواع لیبرالیسم نسبت به مداخله دولت در امور، نظر خوشی ندارند و معتقدند دولت باید کوچک باشد و به حداقل برسد. لیبرال‌های دیگری هم هستند که برخی دخالت‌های دولت را به منظور فراهم ساختن زمینه استفاده فرد از آزادی‌هایش ضروری می‌دانند، ولی تقریباً همه لیبرال‌ها معتقدند که همه افراد دارای خردمندی و توان لازم برای متشکل شدن در تشکیلات



غیردولتی بر مبنای منافع اجتماعی و اقتصادی یا برای تبادل نظر هستند. به عقیده لیبرال‌ها این

عقاید گوناگون و سوءاستفاده‌ها و بدفهمی‌ها، لااقل در بعضی محافل، به دشنام تبدیل شده. اما لیبرالیسم مفهوم سیاسی بسیار سابقه‌دار و محکمی دارای ریشه در فلسفه سیاسی غرب است که حداقل ۳۰۰ سال از عمرش می‌گذرد و متفکران نام‌داری مانند آدام اسمیت، جان لاک، مونتسکیو، کانت و جان استوارت میل پرچم‌دار آن بوده‌اند و امروز شاید در صحنه سیاسی اجتماعی جهان به‌ویژه پس از فروپاشی شوروی، پُرونق‌ترین بازار فکری است. اکنون بینیم که چه مشخصات و ویژه‌گی‌هایی می‌توانیم در لیبرالیسم جان رالز مشاهده کنیم. هدف فلسفه سیاسی لیبرال، تحقیق در بنیادها و اصولی است که معمولاً به لیبرالیسم سیاسی نسبت داده می‌شود؛ یعنی آزادی، تساهل، حقوق فردی، دموکراسی و حکومت قانون. لیبرال‌ها معتقدند که وجود تشکیلات سیاسی را فقط ممکن است با کمکی که به مسایل مورد علاقه فرد می‌کند، توجیه کرد و این مسایل فردی جدا از مفهوم جامعه و سیاست است. لیبرال‌ها دو نظر را رد می‌کنند؛ یکی این‌که فرهنگ، جامعه و دولت جدا از فرد فی‌نفسه غایت محسوب شوند، و دیگر این‌که هدف سازمان‌های سیاسی و اجتماعی، به کمال رساندن سرشت انسان باشد. در نظر لیبرال‌ها هر انسانی خودش هدف‌هایی دارد، اعم از اقتصادی، مادی و معنوی که به تعقیب آن‌ها مشغول است اما چون این هدف‌ها



شنیدن کافی نیست!

بسیاری وقت‌ها آن‌قدر فکرمان مشغول است که فقط می‌توانیم حرف طرف مقابل مان را بشنویم، نه این‌که درست گوش بدهیم بینیم چه می‌گوید. ما، اغلب شنونده‌های خوبی نیستیم، بیشتر به این دلیل که فکر می‌کنیم کار مهمی نیست و اصل این است که حتماً به بهترین روش حرف خودمان را بزنیم.

نتیجه این وضعیت وقتی دوطرفه باشد، می‌شود این‌که دو نفر دارند فقط حرف‌هایشان را به هم می‌زنند، بدون این‌که کسی از حرف دیگری، مفهوم و منظور درستش را بفهمد. دست آخر هم هیچ تعامل سازنده‌ای به وجود نمی‌آید. همه این‌ها یعنی به همان اندازه که خوب نمی‌توانیم منظورمان را به دیگران بفهمانیم، نمی‌توانیم منظور دیگران را هم خوب بفهمیم.

این یعنی لازم داریم قوانین شنونده خوبی بودن را بدانیم؛ کاری که قرار است در این نوشته در موردش صحبت کنیم. اما حواس‌تان باشد لااقل در مورد این متن، فقط یک خواننده نباشید، بلکه به محتوایش فکر کنید و آن را به کار بندید.

به گفتگوهایی که اغلب اوقات داریم دقت کنید. معمولاً وقتی حرف خودمان تمام می‌شود، در حال مرور ذهنی حرف‌های بعدی خودمان هستیم و به طرف مقابل عملاً فقط نگاه می‌کنیم. برخی اوقات که به حرف‌های دیگری گوش می‌دهیم، در واقع داریم به ارزیابی سخنان گوینده می‌پردازیم و درباره اینکه آیا حرف‌های زده شده درست است یا خیر، خوب است یا بد، آیا با آن موافقیم یا مخالف و ... قضاوت می‌کنیم.

در این شرایط، رفتار ما به جای جذاب و گیرا بودن، عکس‌العملی و واکنشی است. حرف دیگران را به سادگی با اظهار نظر یا طرح سوال قطع می‌کنیم. در این شرایط، خودمان را به جای دیگری مرکز و کانون توجه قرار می‌دهیم. گوش دادن خوب، موقتا همسران را تشویق می‌کند رهبر و پیشگام باشد و به طور خودجوش تمام حرفش را بدون مداخله شما بگوید.

بدون اینکه لزوماً موافقت کنید یا مخالفت کنید، سرزنش کنید یا دفاع کنید، یا فوراً سراغ کار دیگری بروید؛ چرا که در وقت گوش دادن، هدف اصلی شما درک کردن است.

۱- گوینده را خوب زیر نظر بگیرید

وقتی شما به همسران توجه می‌کنید، یعنی با جان و دل به حرف‌هایش گوش می‌دهید و به او می‌فهمانید که کاملاً به او توجه دارید. برای این کار، هرگونه فعالیتی را که موجب حواس‌پرتی می‌شود، کنار بگذارید. وضعیت تان را با وضعیت همسران هماهنگ کنید. اگر نشسته است بنشینید، اگر ایستاده است، بایستید، به طرف او برگردید و هر وقت که ممکن بود با او تماس چشمی برقرار کنید. گاهی اوقات می‌توانید همسران را حمایت کنید، با ارسال این علامت که در دسترس هستید، حالت پذیرا دارید و علاقه مند هستید به او ارج و منزلت بدهید. اگر بیشتر می‌خواهید بدانید، این نکته‌ها را دریابید:

حین گوش دادن سعی کنید پیام‌های کلامی و غیرکلامی (احساسات) او را دریافت کنید. کاری که مبنای درک حرف‌های اوست و باید آن را از طریق نگاه کردن، گوش دادن و ردگیری کردن حرف‌های همسران انجام دهید.

نگاه کنید، گوش دهید و ردگیری کنید. رفتارهای غیرکلامی را به دقت زیر نظر بگیرید. حرکات بدن و چهره همسران و هم تغییر حالت بدنی و تنفس او را به دقت مد نظر قرار دهید. اگر با دقت نگاه کنید، می‌تواند به پیام‌های غیرکلامی مثل حرکات ریز چهره، دست، عضلات و تنفس و فضای بین هر دو نفرات بیشتر توجه کنید.

به صداها گوش کنید؛ به طنین و لحن صحبت و همین‌طور سرعت و زیر و بم صدا. به بلندی و پایین بودن صدا و سطح تنش، هنگامی که همسران حرف می‌زنند گوش کنید. وقتی به کلمات گوش می‌دهید، به هرگونه تصاویر ذهنی، اشکال صحبت یا استعاره‌هایی که او ممکن است از آن‌ها استفاده کند نیز توجه کنید.

تمام آن‌چه را که همسران می‌گویند؛ اعم از افکار، احساسات، عقاید و اقدامات و غیره را ردگیری کنید. تمام این قسمت‌ها به درک شما از همسران کمک می‌کند. مراقب باشید چیزی از قلم نیفتد؛ مثلاً ممکن است همسران عقایدش را مطرح کند، پس مراقب باشید چیزی فراموش نگردد.

به ناهماهنگی پیام‌های کلامی و غیرکلامی توجه کنید. به عنوان مثال: همسران ممکن است بگویند علاقه‌مند به اجرای کاری است، ولی نگاه و چهره او خلاف آن را برساند.

منبع: www.hamshahrionline.ir

هم حکومت مکلف به جلوگیری از تجاوز به حقوق و آزادی‌های اساسی اقلیت است حتا اگر آن اقلیت فقط یک نفر باشد، آن یک نفر همان‌قدر حق اظهارنظر و رای و آزادی بیان دارد که مثلاً آن اکثریت سی‌میلیون نفری. بنابراین دیکتاتوری اکثریت اگر از دیکتاتوری فردی وحشت‌ناک‌تر نباشد، مسلماً هیچ کمتر نیست. به هر حال لیبرال‌ها معتقدند که در هر صورت، چه دولت زورگویی کند و چه اکثریت، آزادی فردی که اساس لیبرالیسم است قربانی می‌شود.

از هنگامی که لیبرالیسم در سیاست ظهور کرد تا به امروز، دو گروه عمده از لیبرال‌ها به وجود آمده‌اند که هر کدام نیز گروه‌های فرعی دیگری دارند. می‌توان گفت که طیفی از مواضع مختلف لیبرال وجود دارد که مانند هر خانواده‌یی بین افراد آن اختلاف نظرهایی احیاناً عمیق است. به طور کلی دو طرز تفکر عمده در لیبرالیسم وجود داشته و دارد که از نظر فلسفه رالز، بسیار اساسی است. یکی لیبرالیسم کلاسیک قرن نوزدهمی است. این لیبرالیسم بر این عقیده است که شرط آزادی، فقط نبود مانع و رادع خارجی است.

کافی است که در مقابل فرد مانعی نباشد تا بتوان گفت که او در عمل و گفتار آزاد است. این مکتب تا اواخر قرن نوزدهم دست بالا را داشت و آثارش در سیاست و اقتصاد آشکار بود.

از اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، رفته رفته این نتیجه حاصل شد که این کافی نیست؛ یعنی ممکن است در مقابل من هیچ مانعی برای انجام هرکاری که خواستم وجود نداشته باشد، ولی امکانات برای استفاده از آن آزادی در اختیار من نباشد. از این‌رو برخی از متفکران به مطلب چیزی دیگری نیز اضافه کردند و گفتند که لیبرالیسم عبارت است از نبود موانع خارجی به اضافه وجود امکانات ملموس و واقعی و نه فقط در تیوری. لیبرال‌های کلاسیک یا دست راستی که می‌توانیم از آن‌ها به عنوان لیبرال‌منفی یا آزادگذار تعبیر کنیم که نمونه‌هایشان در قرن بیستم یکی متفکر بزرگ و برنده جایزه نوبل اقتصاد فریدریش هایک است و دیگری نازیک، فیلسوف هاروارد. این‌ها بیشتر بر آزادی تکیه دارند و می‌خواهند مداخلات دولت به حداقل ممکن محدود شود. اما لیبرال‌های چپ یا لیبرال‌های مثبت یا رفاه‌گستر کم‌کم، به سوسیال دموکراسی نزدیک می‌شوند و بیشتر به برابری معتقد اند. در مورد اندیشه رالز خواهیم دید که این هر دو جنبه مورد نظر است و او می‌خواهد بین این دو، گونه‌یی توازن و تعادل برقرار کند. برای این‌که توجه بفرمایید که برچسب‌های سیاسی تا چه اندازه ممکن است برای افراد ناوارد گمراه کننده باشد، اشاره می‌کنم که در امریکا از اوایل قرن بیستم، مقصود از لیبرال همان کسی است که به دخالت دولت و ایجاد برنامه‌های رفاهی

در امریکا از اوایل قرن بیستم، مقصود از لیبرال همان کسی است که به دخالت دولت و ایجاد برنامه‌های رفاهی و عام‌المنفعه و اصلاحات اقتصادی و اجتماعی و تعدیل درآمدها معتقد است. به آن لیبرالی که فقط معتقد به آزادی است و معتقد نیست که باید بیمه‌های اجتماعی و تعدیل درآمدها و مالیات بر درآمدهای سنگین وجود داشته باشد، در امریکا محافظه‌کار می‌گویند. اما در اروپا برعکس است. به این دسته اخیر می‌گویند لیبرال و به اشخاص معتقد به مواضع دسته اول که در امریکا به لیبرال معروف‌اند، در اروپا می‌گویند چپ‌گرایان یا سوسیالیست‌های معتدل

و عام‌المنفعه و اصلاحات اقتصادی و اجتماعی و تعدیل درآمدها معتقد است. به آن لیبرالی که فقط معتقد به آزادی است و معتقد نیست که باید بیمه‌های اجتماعی و تعدیل درآمدها و مالیات بر درآمدهای سنگین وجود داشته باشد، در امریکا محافظه‌کار می‌گویند. اما در اروپا برعکس است، به این دسته اخیر می‌گویند لیبرال و به اشخاص معتقد به مواضع دسته اول که در امریکا به لیبرال معروف‌اند، در اروپا می‌گویند چپ‌گرایان یا سوسیالیست‌های معتدل.

منبع: www.roozna.com

قصه فاقد وحدت طرح است

نویسنده: توماس هالکرافت

برگردان: علی محمد حق شناس



در قرون تاریک و سطا که خشک مغزی و غیرت مذهبی هر نشانه‌ی از ادبیات باستان را کمابیش از صفحه روزگار فرو شسته بود، تنها نوشته‌های سرگرم‌کننده‌ی که در دسترس مردم قرار داشت، افسانه‌های قدیسان بود؛ و در این افسانه‌ها، عنصر شگفتی به تنهایی عنصر غالب به‌شمار می‌آمد. نویسنده‌گان این نوع افسانه‌ها، که به سبب اتحاد دندان‌شکن آثارشان با شرع مقدس از هرگونه نقدی در امان بودند، نیک می‌دانستند که هرچه حکایاتشان نامحتمل‌تر باشد، امتیاز آن‌ها نیز به همان اندازه بیشتر می‌شود. این نویسنده‌گان، که نیروی تخیل‌شان اکنون دیگر به کلی آزاد و رها شده بود، از فرصت استفاده کردند و بر اندام قدیسان‌شان جامه جنگاوران پوشاندند، و قهرمانان مسیحیت را به رقابت در مقابل سلحشوران لایق یونان قرار دادند. و این قدیسان قهرمان بر هیولاها غالب آمدند، و غولان را مغلوب کردند، و احضارکننده‌گان ارواح را تا قلب دریایچه‌های آتش، و فراسوتر، تعقیب کردند؛ و در این گیرودار چندان پیش رفتند تا سرانجام هرچه جادوگر بود، به زور شمشیر و ضرب نیایش از پای درآوردند، و همه را بر پشت آژدهای آتش‌خوار فروافکندند، و آن‌ها را که نفرین می‌کردند و کفر می‌گفتند، به آسمان پرتاب کردند، و به درک واصل نمودند، و کاخ‌های‌شان را هم از صفحه روزگار محو کردند.

این نویسنده‌گان گویی از افسانه‌ها و اساطیر یونانی تصوراتی آشفته در ذهن گرد آورده بودند؛ و بر همین اساس است که می‌توان میان حیوانات موجود در افسانه‌های آنان، از یک طرف، و یکتاچشمان (سیکلوپ‌ها) و ماران نه سر (هیدراها) و گاوآدم‌ها (مینوتورها) و افسون‌زنان (سایرن‌ها) و سرس‌های یونانی، از طرف دیگر، به آسانی رگه‌هایی از تشابه پیدا کرد. حالیا فنیقیان و مصریان و لیبیاییان و یونانیان و گال‌ها، هر کدام، هرکول‌های مختص به خود را داشتند؛ و هرکول‌های همه اینان نیز به اجرای انواع کارهای شگفت‌انگیز و ناممکن توانا بودند؛ این بود که دیرنشینان نیز برای مسیحیان هرکولی دست‌وپا کردند؛ جز این‌که اینان نام هرکول خود

را جورج قدیس گذاشتند. ولی این جورج قدیس بیشتر اختصاصی بود؛ چون قهرمان انگلستان بود؛ یعنی قدیس قیم و حامی آن مملکت بود. از این‌رو به هر مملکت

قصه‌های پرطول و تفصیل و چندجلدی پر کرد که در آن‌ها شرح شور و شیدایی‌های عشق و عاشقی را به شیوه‌ی بسیار اغراق‌آمیز ترسیم می‌کردند؛ از این شمار

قصه‌ها به مثابه دل‌چسب‌ترین سرگرمی‌های قاطبه مردم، میان همه‌گان، اعم از سربه‌هوایان و سربه‌کاران، پیوسته دست به دست می‌گشت؛ سهل است که تا همین اواخر نیز، یعنی تا پایان قرن هفدهم، از اعتبار و اهمیتی والا در عالم ادبیات برخوردار می‌بود.

نویسنده‌گان جدید لفظ قصه را به هر سرگذشت تخیلی اطلاق می‌کنند که از ماجراهای جدا جدا و مستقل صورت بسته باشد. بنا بر همین تعریف، سرگذشت‌های نظیر تلماک اثر فنلون و کورش اثر رمزی را قصه می‌نامند. ژیل‌بلا نوشته لوساژ و رودریک رندوم نوشته اسمولت نیز زیر همین عنوان قرار می‌گیرد؛ گو آن‌که این دو به نوع دیگر، سوای نوع تلماک و کورش، تعلق دارند. اما رمان اثری ادبی از نوعی دیگر است. وحدت طرح یک ویژگی بارز این نوع تازه است. تا آن‌جا که قصه مورد نظر است، باید گفت مادام که وقایع آن به طرز زیبا و زنده بیان شده باشند، مقصود حاصل آمده است؛ چه وقایع قصه بازگو نمی‌شوند جز بدین مقصود که چون عجیب و غریب‌اند، خواننده را سرگرم کنند؛ بی‌آن‌که در داستان اصلی هیچ اثری بگذارند، البته اگر هیچ داستان اصلی‌ی وجود داشته باشد. ولی در رمان وقایع را، که البته به تنهایی سرگرم‌کننده‌اند، به شیوه‌ی خاص با هم ترکیب می‌کنند تا کلیت یگانه‌ی را پدید آورند؛ و هر پیشامدی را که ضروری نباشد، نقضی آشکار قلمداد می‌کنند؛ چرا که صرف وجود آن مانعی خواهد بود در راه رسیدن به آن ساده‌گی که تحققش شرطی لازم برای بروز کلیت در رمان به بهترین وجهی است. پس در این‌جا نیز، درست مانند نمایش‌نامه، می‌باید همه پیشامدهایی را که نه به پیشرفت یا وضوح رمان اصلی کمک می‌کنند، و نه در تشخیص این قهرمان یا آن شخصیت داستان نقشی

نویسنده‌گان جدید لفظ قصه را به هر سرگذشت تخیلی اطلاق می‌کنند که از ماجراهای جدا جدا و مستقل صورت بسته باشد. بنا

بر همین تعریف، سرگذشت‌های نظیر تلماک اثر فنلون و کورش اثر رمزی را قصه می‌نامند. ژیل‌بلا نوشته لوساژ و رودریک رندوم

نوشته اسمولت نیز زیر همین عنوان قرار می‌گیرد؛ گو آن‌که این دو به نوع دیگر، سوای نوع تلماک و کورش، تعلق دارند. اما رمان،

اثری ادبی از نوعی دیگر است. وحدت طرح، یک ویژگی بارز این نوع تازه است

مقتدری از ممالک مسیحی، پهلوان قدیسی اختصاص دادند. یکی از این پهلوان قدیسان دنیس قدیس بود که قیم فرانسه بود؛ و این همان دنیس قدیس است که ولتر او را در شبکه شخصیت‌های داستان خود، به نام «هنریاد» به عنوان قهرمان اصلی به‌کار گرفته است.

بودند قصه‌های کللیا و کورش کبیر و مانند آن‌ها. در همه این قصه‌ها نوعی یک‌نواختی مدام، چه به لحاظ قهرمان و چه به لحاظ حوادث و چه به لحاظ زبان، موج می‌زد. از طرح و توطیه در آن‌ها خبری نبود؛ و تنها یک نکته اخلاقی در سرتاسر صفحات بی‌شمار و مجلدات بی‌پایان آن‌ها پیوسته بازآورده می‌شد؛ با همه این احوال، همین

دارند، غیرضروری قلمداد کرد. با این تفصیل روشن می‌شود که هر رمان درست‌حسابی، اثری است بسیار دشوارتر از هر قصه‌ی؛ و به‌حق شایسته‌گی آن را دارد که در ردیف آن دسته از آثار نمایشی قرار گیرد که سودمندی‌شان را همه‌گان قبول دارند.

آلیسی مونرو چه‌گونه نویسنده شد؟

نویسنده: مارگارت اتوود

برگردان: مریم محمدی سرشت

دهه ۵۰ در ایالات متحده دوره‌ی بود که نویسنده‌گی بیشتر حرفه‌ی مردانه بود. در امریکا رسم نبود زنان نویسنده باشند. کدام نویسنده‌گان زن تحسین می‌شدند؟ اودورا ولتی، کاترین آن پورتر. کدام شاعران زن؟ امیلی دیکسون. چند نفر دیگر؟... در کانادا زن‌ها را کم‌تر از مردها حساب نمی‌کردند. آن‌قدر که کانادایی بودن چالش بود، زن بودن نبود. گلدوزی، نقاشی رنگ و روغن و نویسنده‌گی همه سرگرمی به‌شمار می‌آمدند. کسی به نویسنده‌گی بها نمی‌داد. رمان‌های جدید مشتری نداشتند. آن زمان جامعه نویسنده‌گان بسیار محدود بود. در کانادا به خاطر مجالس شعرخوانی و معدود مجله‌های موجود، شاعرها با آثار هم آشنا بودند، اما در مورد نویسنده‌گان آثار مکتوب قضیه فرق می‌کرد.

وقتی داشتیم کلان می‌شدیم، ایده نویسنده شدن خیلی غریب بود. حتا فکر کردن به این‌که می‌توانی از عهده‌اش بر بیایی، به حساب تکبر گذاشته می‌شد. استعداد را در آدم می‌کشند. با وجود این، آلیس در کودکی آثار ال ام مونتگومری را خوانده است، «آن دختری از گرین گیبل» و «امیلی دختری از نیومون» داستان دختر جوانی که در جزیره پرنس ادوارد بزرگ شد و در روای نویسنده‌گی بود. آلیس برای این کتاب یادداشتی نوشته است.

دو رمان اولیه دیگری که بر او اثر گذاشتند، بلندی‌های بادگیر و غرور و تعصب بود. در بلندی‌های بادگیر هرگز داستان را مستقیماً از زبان شخصیت‌های مهم نمی‌شنوی. راوی‌ها ناظران ماجرا هستند؛ جتلمنی به

نام لاک وود که عمارت تراش کراس گرنج را اجاره می‌کند و نلی خدمتکار خانه، سبک خیلی جالبی است برای تدوین کتاب. هم‌چنین دو خانواده وجود دارد، لیتون‌ها که اشراف‌مآب هستند، نه قدرتمندند نه شهوت‌انگیز و کنار این‌ها شخصیت هیثکلیف است. غرور و تعصب، کتاب دیگری است با ساختار عالی که از احساسات مورد علاقه ما بهره برده. شخصیت آقای دارسی را پروراند؛ مرد بی‌شرم دیگری با ثروتی کلان. هم‌چنین اقتصاد عامل مهمی در آثار مونرو است؛ کی پول دارد، کی ندارد، کی محتاج پول است، کی خوب درمی‌آورد و خرج و مخارج بر عهده کیست.

دیگرانی که بر او اثرگذار بودند، نویسنده‌گانی بودند که داستان‌های‌شان در شهرستان‌های کوچک شکل می‌گرفت. آلیس پس از خواندن داستان‌های شرود اندرسن، به صرافت افتاد که شاید خودش هم بتواند چنین داستان‌هایی بنویسد. کتاب‌های اودورا ولتی، فلانری اوکانر و کارسن مک کالرز را هم خواند. آلیس که خود نیز در شهرستانی کوچک بزرگ شده، این مناطق را خوب می‌شناسد، مخصوصاً شهرستان‌های کوچک در جنوب غربی انتاریو. چرا در یک شهرستان کوچک آن‌قدر خل و دیوانه هست؟ فقط به این دلیل که همه همدیگر را می‌شناسند و از پیشینه هم باخبرند، مثل خانواده‌ی بزرگ و نابه‌هنجار. وضعیت شهرها هم به همین ترتیب است، متنها لزوماً همه چیز را نمی‌دانی، چون اهالی آن سوی کوچه یا حتا همسایه بغلی‌ات را نمی‌شناسی. در شهرستان‌های کوچک مردم می‌دانند برای حفظ سلسله‌مراتب اجتماعی باید حرف‌های خاله‌زنکی بزنند، شایعه‌پراکنی و مدام تظاهر کنند. این آزادی مردم را محدود می‌کند.

مشخص‌اند. این‌که مردم چه می‌خورند، چه می‌پوشند، از چه وسایلی استفاده می‌کنند، همه این‌ها برایش مهم است. راست و دروغ رفتار آدم‌ها برای او جالب است. او به ظاهر و رفتار متظاهرانه شخصیت‌هایش، به این‌که می‌کوشند چه تأثیری بر دیگران بگذارند، توجه می‌کند و بعد نیت درونی‌شان را بررسی می‌کند. شاید شخصیت‌ها دست هم را می‌خوانند و برای همین دروغ‌های مردم‌پسند به هم می‌گویند، مثل این عبارت «معرکه شدی». گاهی از سر محبت می‌گویند گاهی نه. او در مورد مشکلات پیش روی آدم‌هایی می‌نویسد که کوچک‌تر یا بزرگ‌تر از آنی شده‌اند که انتظارش را داشتند. وقتی شخصیت‌های اصلی‌اش به گذشته می‌نگرند، تمام نقش‌ها و چهره‌های متفاوت‌شان را می‌بینند. مونرو استاد پرداختن به توقعات آدم‌ها و بعد سرخورده‌گی‌های‌شان است.

یکی از مهارت‌های بسیار آلیس، مقایسه این دو است که مردم گمان می‌کنند فلان چیز چه می‌شود و بعد چه از آب درمی‌آید. بعضی از انتظارات ما همیشه برآورده شده‌اند و بدون آن‌ها زنده‌گی مان فلج می‌شود؛ خورشید هر روز صبح طلوع می‌کند، آقای براون هر روز ساعت هشت صبح دروازه دکان دونبشش را باز می‌کند و شیر می‌فروشد. در داستان‌های آلیس مونرو، شخصیت‌ها قدم به خانه‌ی می‌گذارند و می‌بینند یک



نفر کشته شده. همه انتظارات طبق معمول برآورده می‌شوند و سپس چیزی می‌شود، اتفاقی غافل‌گیرکننده می‌افتد و اصل داستان همین است.



معاون وزیر خارجهٔ امریکا:

موضع ما در بارهٔ خط دیورند تغییر نکرده است

امریکا خلاف موضع رییس‌جمهور کرسی، مرز بین افغانستان و پاکستان را به عنوان مرز بین‌المللی به رسمیت می‌شناسد.

ویلیام برنز معاون وزیر امور خارجهٔ امریکا روز گذشته در یک نشست خبری در کابل گفت: موضع امریکا در این زمینه همچون گذشته است و مارک گراسمن نمایندهٔ سابق امریکا در امور افغانستان و پاکستان در این زمینه سخن گفته بود.

گراسمن نمایندهٔ سابق این کشور در امور افغانستان و پاکستان گفته بود: امریکا خط مرزی دیورند را به عنوان مرز بین‌المللی افغانستان و پاکستان به رسمیت می‌شناسد. پس از اظهارات گراسمن، سفیر کنونی امریکا در کابل

در سفری که به ولایت قندهار داشت، تأکید کرد که کشورش خط دیورند را به رسمیت می‌شناسد.

معاون وزیر خارجهٔ امریکا در کابل با اشاره به تنش‌های اخیر مرزی میان افغانستان و پاکستان گفت:

«چیزی را که امروز من بالایش تأکید می‌کنم آن منافع مشترک دو کشور است. منافع مشترک افغانستان و پاکستان و این منافع ایجاد ثبات و امنیت در دو کشور است، اکنون در افغانستان پروسهٔ انتقال در جریان است و در عین حال پاکستان انتخابات را پشت سر گذاشته و این بسیار مهم است که از هر نوع تلاشی که سبب ایجاد فاصله میان دو کشور می‌گردد، جلوگیری شود.»

اما رییس‌جمهور کرسی می‌گوید که افغان‌ها این مرز را به

احمد بهزاد نمایندهٔ هرات در مجلس:

حکومت برای برگزار نکردن انتخابات بهانه‌سازی می‌کند

گفت‌وگو کننده: ناچه نوری

آقای بهزاد با سیاست از این که حاضر به گفت‌وگوی ویژه با روزنامهٔ ماندگار شدید. در نخست وضعیت کشور را در حال حاضر چه‌گونه می‌بینید؟

سومین دورهٔ انتخابات ریاست‌جمهوری رویدادی بسیار مؤثر و مهم برای آیندهٔ کشور است و هرگاه مردم افغانستان بتوانند این انتخابات را با موفقیت سپری کنند و اگر مطالبات و توقعات مردم نسبت به وضعیت برآورده شود، در این صورت می‌توان به آیندهٔ افغانستان امیدوار بود؛ اما اگر افغانستان نتواند این مراحل را پشت‌سر بگذراند و یا جریان پروسهٔ انتخابات با شکست مواجه شود، در این صورت آسیب‌های جدی آیندهٔ افغانستان را تهدید خواهد کرد.

ما شاهد تلاش‌های پیدا و پنهان حکومت برای برآشفته‌ساختن فضای سیاسی کشور استیم، تا بهانه‌یی برای تن ندادن به انتخابات را به دست بیاورند؛ مانند کشمکش‌ها در نهادهای دولتی و بی‌اعتبار کردن شورای ملی؛ همچنان شماری از تحرکات مصنوعی و جهت‌دار در مرز افغانستان و پاکستان و طرح غیر مترقبهٔ مسأله خط دیورند از سوی رهبری دولت، نشانگر تلاش‌هایی‌ست که در درون حکومت روی دست گرفته شده، تا فضای سیاسی و امنیتی کشور ناپایدار جلوه داده شود، تا بهانه برای عدم برگزاری انتخابات فراهم شود.

نگرانی‌هایی وجود دارد که شاید اصلاً انتخابات برگزار نشود، نظر شما در این خصوص چیست؟ هیچ معجزه‌یی نمی‌تواند جایگزین انتخابات و انتقال مسالمت‌آمیز قدرت در افغانستان شود، هم احکام قانون اساسی در این رابطه صراحت دارد و هم خواست احزاب و ائتلاف‌های سیاسی؛ بنابراین، تلاش‌هایی از سوی حلقات معین حکومتی صورت می‌گیرد، تا طرح‌های غیرقانونی را برای جایگزینی انتخابات مطرح کنند که در اصل هدف‌شان تداوم قدرت است و یقیناً چنین طرح‌هایی با مخالفت‌های جدی جامعهٔ مدنی و فعالان سیاسی مواجه خواهد شد.

شما از آشفته‌گی‌های حکومت و پارلمان گفتید، نا به‌سامانی‌های اخیر در پارلمان ناشی از چی می‌تواند باشد؟

یکی از عوامل آشفته‌گی پارلمان که در طول سال‌های اخیر ما شاهد آن بودیم، برخاسته از ساختار غیرحزبی است و متأسفانه حکومت در ابتدای شکل‌گیری پارلمان و در آستانهٔ اولین انتخابات پارلمانی، نتوانست سیستمی را در فرمان تقنینی انتخابات بگنجاند تا ساختار پارلمان را ساختار حزبی و منسجم بسازد؛ بخشی از نابه‌سامانی‌هایی

که پارلمان از آن رنج می‌برد، بر می‌گردد به همین ضعف ساختاری. اما در روزهای اخیر، التهابی‌شدن فضای مجلس گویایی مداخلهٔ جهت‌دار و برنامه‌ریزی شدهٔ آقای کرسی است، تا نهادهایی که دارای مشروعیت هستند را در آستانه پایان‌یافتن مهلت قانونی حکومت‌اش، از اعتبار ساقط کرده و آن‌ها را آلوده به فساد معرفی کند، بنابراین جناب کرسی یک نوع بازی رندانه را در مورد پارلمان به راه انداخته که هرگاه اراده کند در داخل پارلمان فضا را متشنج می‌سازد.

دورنمای سیاسی افغانستان پس از سال ۲۰۱۴ را چه‌گونه می‌بینید؟

دورنمایی سیاسی افغانستان را فعالیت و چگونگی اقدامات امروز ما تعیین می‌کند؛ اگر امروز فعالان سیاسی و نهادهای مدنی، مسوولانه برخورد کرده و با کنار گذاشتن اختلاف‌ها و سلیقه‌های شخصی‌شان در پی مطالبات مشروع و قانونی افغانستان برآیند و از قانون اساسی دفاع همه جانبه نمایند، یقیناً دورنمایی سیاسی افغانستان دورنمایی مثبت خواهد بود؛ اما اگر جناح‌های سیاسی در پی منافع کوتاه‌مدت و مقطعی برآیند، مسلماً که افغانستان آیندهٔ سیاسی خوبی نخواهد داشت.

برخی‌ها به این باور اند که برای عبور از ۲۰۱۴ نیاز به یک بستر و فضای کلان سیاسی است، به نظر شما شکل‌گیری چنین بستری با کدام مکانیزم‌ها امکان‌پذیر است؟

در شرایطی که ما باید خود را آمادهٔ برگزاری سومین انتخابات ریاست‌جمهوری بسازیم و در شرایطی که تلاش‌های جهت‌دار و سازمان یافته‌یی برای خود داری از برگزاری انتخابات به راه افتاده است، بیش از هر زمان دیگری ما نیاز به اجماع ملی و همکاری احزاب و جناح‌های سیاسی داریم.

من فکر می‌کنم در شرایط فعلی ما باید برای تطبیق احکام قانون اساسی و مکانیزم مطمین برای برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری یک هم‌آهنگی کلی را در میان جناح‌ها و احزاب سیاسی به وجود بیاوریم و این هم‌آهنگی و اجماع ملی از راه گفت‌وگوها و برگزاری نشست‌ها امکان‌پذیر است؛ بنابراین اجماع ملی و هم‌فکری میان جناح‌ها، برای برگزاری یک انتخابات سراسری کمک زیادی خواهد کرد.

پرسش: چگونه می‌توان چنین فضا و بستری را ایجاد کرد، تا همهٔ طرف‌های سیاسی را شامل باشد؟

در شرایط فعلی قبل از این‌که در صدد تشکیل یک تیم سیاسی معین برای حضور در انتخابات

باشیم، باید گام‌های مقدماتی و هم‌آهنگ از سوی همهٔ جناح‌ها و احزاب برای متقاعد کردن حکومت به خاطر برگزاری انتخابات و اتفاق‌نظر در بارهٔ میکانیزم برگزاری آن و گزینش افراد مستقل و بی‌طرف در نهادهای انتخاباتی، برداشته شود. اگر ما بتوانیم یک اجماع کلی را در این خصوص با حضور فعالان سیاسی به وجود بیاوریم، بحث دوم که همانا شکل‌گیری یک تیم سیاسی که قابل قبول برای اکثریت مردم افغانستان باشد، به وجود بیاید.

چه فکر می‌کنید، این امکان وجود دارد که همهٔ جریان سیاسی قبل از سال ۲۰۱۴ و با توجه به چالش‌هایی که افغانستان را تهدید می‌کند، روی یک اجندای ملی توافق کرده و یک بستر کلان سیاسی را شکل دهند؟

خوشبختانه در این اواخر ما شاهد شکل‌گیری ائتلاف احزاب سیاسی و طرح اجندای ملی از سوی سیاسیون افغانستان بوده‌ایم؛ اما نیاز به کار بیشتر است و در یک یا دو ماه آینده باید این تلاش‌ها بیشتر شود، تا ما بتوانیم اول این‌که حکومت را متقاعد بسازیم تا دست از انحصار طلبی بر دارد و دوم این‌که مسوولان نهادهای انتخاباتی را مطابق به قانون منصوب نماید.

افغانستان از جملهٔ معدود کشورهایی است که وحدت ملی در آن تعریف نشده، بنابراین برای دست‌آوردن هویت ملی، نیاز به طرح یک اجندای ملی نیست؟

امروز ما با مشکلات زیادی مواجه استیم و بی‌اعتمادی میان جناح‌های مطرح سیاسی یک مشکل واقعی است؛ هرچند با طرح شعارها این واقعیت‌ها کتمان می‌شود؛ اما کشوری مانند افغانستان که سه دهه جنگ را پشت سر گذاشته است از بحران بی‌اعتمادی میان فعالان سیاسی و چهره‌های سیاسی رنج می‌برد، بنابراین جست‌وجوی یک راهکار مؤثر برای از بین بردن این بحران لازمی است و بدون جست‌وجوی چنین راهکاری، ما نمی‌توانیم آیندهٔ سیاسی افغانستان را تضمین کنیم.

من فکر می‌کنم با کنار گذاشتن منفعت‌جویی‌های سمتی و قومی، باید به سمت پایدار ساختن هویت شهروندی حرکت کنیم و به همهٔ شهروندان اعتبار مساوی و برابر قایل شویم و این موارد امکان‌پذیر نیست، مگر این‌که روی یک اجندای کلان ملی توافق کنیم.

تشکر از این که وقت‌تان را در اختیار ما گذاشتید. از شما هم تشکر.

د پاکستان ٲاکنو ونبوده...

د ده په خبره، په افغانستان کې د لاسوهنو سټراتېژي پوځ جوړه کړې چې لا هم پر خپل ځای ده او ملکي حکومت پرې کوم لاسبری نه لري.

هغه زیاته کړه، نوازشریف او عمران خان په اثبات ورسوله، کوم کسان چې په افغانستان کې جکړې ته لمن وهي او کوم کسان چې بریدونه کوي، هغه د دوی کسان دي، ځکه په ټاکنیزو کمپاینونو کې پر دې دوو ډلو هېڅ بریدونه نشول او ترهګرو یوازې د دوی مخالفان تر بریدونو لاندې نیول او د ټاکنیزو سیالیو مخه یې ورته ډپ کړې وه.

ښاغلی مجیدي په دې باور دی، چې د پاکستانیو چارواکیو د هغو څرګندونو نه چې له افغانستان سره به مرسته کوي او یا به د ترهګرۍ پر وړاندې جګړه پای ته رسوي، ډاډه نه دی ځکه د ترهګرو په سر کې هم هغوی دی او د ترهګرو په پای کې پاکستانی چارواکي دي.

هغه وویل، نوازشریف ددې څرګندونو ویاړ هم لري، چې پاکستان ته په خدمت کې یې د افغانستان اردو ړنګه کړې ده.

دی وایي، په دې هیله دی چې نور په نواز شریف او عمران خان کې مثبت بدلون راغلی وي او د نړیوالې ټولنې تر څنګ له افغانستان سره هم د ښو اړیکو او ښه ګاونډي په څېر چلن وکړي.

د ولسي جرګې دغه غړی زیاتوي، که چېرې د پاکستان راتلونکی حکومت چې د نوازشریف په مشرۍ به جوړېږي، وغواړي چې د افغانستان د سولې له پروسې سره رښتینې مرسته وکړي، کولای یې شي، ځکه په ټاکنو کې دوی و ښوده چې په سخت دریځو او وسله والو اثر رسوخ لري او خبره یې پرې چلېږي.

خو زیاتوي، چې په دې کې نړیوال فشارونه ښه رول لوبولی شي، چې پر پاکستان وارد شي، ځکه د پاکستان اقتصادي وضعیت د نړیوالو مرستو په ځانګړي ډول د امریکا میلیونونو ډالرو ته اړتیا لري او هغوی د دغو پیسو له لارې ښه کولای شي، چې پر پاکستان فشار راوړي، څو دپته یې اړ باسي چې د افغانستان د سولې له پروسې سره مرسته وکړي.

ښاغلی گل پاچا مجیدي وویل، تر اوسه نړیوالې ټولنې په جدیت سره له پاکستانه د دې مرستې غوښتنه نه ده کړې او نه هم افغان حکومت په دې برخه کې روښانه دریځ خپل کړی دی؛ خو که نواز شریف وغواړي حکومت یې له موږ سره په دې برخه کې ښه مرسته کولای شي.

همدرانګه د سیاسي چارو شننونکی او د کابل پوهنتون استاد فاروق بشر ماندگار ورځپاڼې ته په مرکه کې وویل، چې پاکستان د جوړېدو له مهاله له افغانستان سره په دوستۍ او صداقت عمل نه دی کړی.

هغه وایي، دا دوه لاملونه لري، یو د ډیورند کرښه ده چې هېڅ افغان حکومت په رسمیت نه ده پېژندلې او بله هم له هند سره د افغانستان ښې اړیکې دي، ځکه هند او پاکستان د کشمیر په مساله کې سره اختلاف لري.

د ده په اند، تر هغې چې د ډیورند کرښه په رسمیت ونه پېژندل شي او تر هغې چې افغانستان له هند سره اړیکې پرې نه کړي، پاکستان به له افغانستان سره ښې او د صداقت اړیکې ونه لري او نه به هم له افغانستان سره مرسته وکړي.

د ښاغلي بشر په خبره، د افغانستان خلک چې هر څومره وس او امکانات په واک کې لري باید ترښه ګټه واخلي او پرېنږدي چې پاکستان یو متر هم افغان خاورې ته را دننه نشي او یا یې لاندې نه کړی.

نوموړي وویل، وړاندیز یې دا دی چې افغان حکومت دې د ډیورند مساله د حاد محکمې او یا هم د ملګرو ملتونو امنیت شورا ته وړاندې کړي، څو د هغوی له لوري فیصله او حل شي، ځکه جګړه او شخړه د دې مسالې د حل لاره نه ده.

د کابل پوهنتون دغه استاد زیاتوي، تر هغه وخته چې له کرښې هاخوا اسلامي تندرلارې ډلې لکه جماعت اسلامي او نورې سخت دریځې ډلې شتون ولري؛ نو جګړه به دوام لري، چې نه یې بیا پر وړاندې ملکي حکومت څه کولای شي او نه هم نړیواله ټولنه.

هغه وایي، امریکا سرته تېروتنه دا وکړه، چې پر افغانستان یې برید وکړ، طالبان یې وپړخول او پر ځای یې یو ناسالم او د توپکوالو حکومت راوست چې اصلاً د هېواد د ښکېلې لپاره کار نه کاوه.

استاد فاروق بشر وویل، پاکستان به لا د ترهګرۍ له ستونزو سره مخ شي او په هغه اور به وسوځېږي، چې افغان یې سوځولی و.

د هغه په خبره، د پاکستان راتلونکی حکومت مجبور دی چې د خپل ځان او خلکو لپاره له سخت دریځو سره خپل دریځ روښانه کړي او که یې روښانه نه کړي، نو په دې اور کې به افغانستان او پاکستان دواړه سوځي.

ښاغلی فاروق بشر وایي، چې په پاکستان کې تل دوه حکومتونه شتون لري، چې یو ملکي حکومت او بل پوځي حکومتونه دي. د پاکستان په تاریخ کې له ۱۹۴۷ کال راهیسې دا لومړی حکومت دی چې خپله ټاکل شوې دوره پوره کوي او بل ملکي حکومت راځي، کله چې زرداري نوی راغی د ای اېس ای مشر یې له دندې ګوښه کړی؛ خو یوه اونۍ وروسته یې بېرته په دنده وګوماره.

هغه وویل، ځکه چې پر زرداري فشارونه راغلل، چې کودتا به پرې وشي، نو تر هغه وخته چې ای اېس ای ونه غواړي، چې د افغانستان او پاکستان اړیکې جوړې شي، هېڅکله به د دواړو هېوادونو اړیکې جوړې نشي.

نوموړی زیاتوي، اوس هم پوځیان پر پاکستان واکمن دي او تر هغې چې هغوی ونه غواړي په افغانستان کې سوله نشي راتلاي.

د نوازشریف په مشرۍ مسلم لیک ن ګوند د پاکستان په ټاکنو کې چې د شنبې په ورځ تر سره شوې، د مرکزي پارلمان له ۱۷۲ څوکیو څخه ۱۲۷ کټلې دي.

مسلم لیک په پنجاب ایالت کې د حکومت جوړولو لپاره بشپړ اکثریت ترلاسه کړی خو په خیبر پښتونخوا کې د عمران خان تحریک انصاف او په سند کې پیپلز ګوند د حکومت جوړولو لپاره کافي چوکۍ کټلې دي.

په ملي جرګه کې د عمران خان تحریک انصاف ۳۴ او پیپلز ګوند ۲۱ چوکۍ کټلې دي.

همایش علمی بهبود کیفیت آموزش حقوقی برگزار شد



برنامه‌هایی برای بلند بردن ظرفیت کاری استادان کارهایی را انجام داده است؛ اما با آن هم کم توجهی کشورهای کمک کننده سبب شده تا این وزارت از اهداف مهم اساسی بازماند.

در همین حال، جیمز استین رییس اداره همکاری‌های امریکا گفت: این اداره مصمم به همکاری و کمک برای دولت افغانستان و به خصوص بخش تحصیلات عالی می‌باشد؛ زیرا سرمایه هر جامعه تحصیلات عالی آن می‌باشد که باید معیاری باشد.

جمناستن نیز در ادامه افزود: آموزش‌های حقوقی و سیستم عدلی افغانستان، ضرورت به بررسی و نوآوری دارد که اداره آنها در این زمینه همکاری خواهد کرد تا به پرونده‌های جرمی و جزای رسیدگی عادلانه صورت گیرد.

از سوی هم، عثمان بابری معین مسلکی و علمی وزارت تحصیلات عالی در این همایش، گفت: وزارت تحصیلات عالی هر روز با چالش‌های جدید مواجه می‌شود و مسولان این وزارت تلاش می‌کنند تا آن را برطرف سازند.

وی در ادامه افزود: نبود کیفیت لازم در آموزش‌های حقوقی، تعدد و عدم انسجام میان دوزها از جمله چالش‌هایی است که وزارت تحصیلات با آن دست و پنجه نرم می‌کند و همایش امروزی دریافت راه حل برای آنها می‌باشد.

به گفته بابری، ایجاد کلینک‌های حقوقی و محکمه‌های تمثیلی برای بهبود کیفیت آموزش‌های حقوقی و قضایی، یک دستاورد است؛ اما این نگرانی وجود دارد که این دستاوردها با کاهش کمک‌های خارجی از دست برود.

راه برداشته شود. وزیر تحصیلات عالی گفت: این همایش به کمک اداره انکشاف بین المللی امریکا (USAID) به منظور تشخیص نقاط ضعف و قوت این دانشکده و ایجاد یک سیستم تعلیمات حقوقی با کیفیت در کشور راه اندازی شده است.

عبیدالله عیبید افزود که قرار است دانشجویان دانشکده‌های حقوق و شرعیات در بخش‌های آموزش‌های مداوم برای قضات و بهبود معیارهای اجرات قضایی و طرزالعمل‌های سلوک و برخورد قضایی در محکمه‌های نمایشی و کلینیک‌های قضایی آموزش داده شوند.

آقای عبیدالله عیبید افزود: دولت افغانستان در چندین سال جنگ، بن مایه‌های خویش را در تمام عرصه‌ها مخصوصاً تحصیلات عالی از دست داده و این مساله باعث شده تا بی‌قانونی و قانون‌گریزی در ساختار دولت جا بگیرد؛ بنابراین ایجاد می‌نماید که سیستم‌های حقوقی و قضایی کشور از لحاظ کیفیت مورد توجه قرار گیرد و چالش‌ها از

به گفته عبید، این وزارت طی ده سال گذشته

اولین همایش علمی بهبود کیفیت آموزش حقوقی در افغانستان برگزار شد؛ در این همایش تأکید شد که بالا بردن کیفیت رشته‌های حقوقی و قضایی می‌تواند کار را در ارگان‌های عدلی و قضایی کشور، سهولت بخشد.

عبیدالله عیبید وزیر وزارت تحصیلات عالی کشور روز یکشنبه در مراسم گشایش این همایش، گفت: وزارت تحصیلات عالی قصد دارد به منظور بالا بردن ظرفیت دانشجویان دانشکده‌های حقوق و شرعیات کیفیت این دانشکده‌ها را بهبود ببخشد.

عبیدالله عیبید افزود: دولت افغانستان در چندین سال جنگ، بن مایه‌های خویش را در تمام عرصه‌ها مخصوصاً تحصیلات عالی از دست داده و این مساله باعث شده تا بی‌قانونی و قانون‌گریزی در ساختار دولت جا بگیرد؛ بنابراین ایجاد می‌نماید که سیستم‌های حقوقی و قضایی کشور از لحاظ کیفیت مورد توجه قرار گیرد و چالش‌ها از

حضور فعال زنان در انتخابات پاکستان



به گزارش خبرگزاری شینهوا، بنا بر آمار اعلام شده از سوی اداره ثبت احوال پاکستان، بیش از شش میلیون زن در این کشور حتی شناسنامه ندارند و در نتیجه نمی‌توانند در چرخه انتخابات و رای‌گیری حضور یابند.

بنا بر اعلام کمیسیون انتخابات پاکستان در انتخابات سال ۲۰۰۸ میلادی و در مناطق وزیرستان جنوبی و دیر پایین در ۵۶۴ حوزه انتخاباتی حتی یک رای هم متعلق به زنان نبود.

به رغم تمامی این محدودیت‌ها، زنان پاکستان پست‌های سیاسی بسیار مهمی در این کشور داشته‌اند که بی‌ظنیر بوتو، نخست‌وزیر سابق این کشور نه تنها در وطنش بلکه در سراسر جهان به دلیل داشتن این موقعیت سیاسی حساس، سرآمد همگان بود.

از سوی دیگر در پاکستان بسیاری از زنان در مجالس ولایتی و ملی دارای پست هستند و نقش بسیار مهمی در سیاست این کشور ایفا می‌کنند.

در انتخابات پارلمانی سال جاری میلادی پاکستان ۱۶۱ زن برای به دست آوردن ۶۰ کرسی از مجموع ۳۴۲ کرسی مجمع ملی به مبارزه می‌پردازند که این رقم در مقایسه با انتخابات قبلی در سال ۲۰۰۸ میلادی که ۱۱۶ زن در آن کاندیدا شدند، افزایش چشمگیری داشته است.

در انتخابات سال ۲۰۰۸ میلادی، بسیاری از زنان کاندیدا از خانواده‌های سیاسی قدم به عرصه انتخابات گذاشته بودند، اما در انتخابات سال جاری میلادی (۲۰۱۳) به واسطه روی کار آمدن حزب «تحریک انصاف پاکستان» (PTI) چهره‌های جوان و جدیدی قدم به این میدان رقابت گذاشته‌اند.

در عین حال، کمیسیون انتخابات کشور پاکستان خلاء بین رای‌دهنده‌گان زن و مرد در پاکستان را ده میلیون تن عنوان کرد و افزود: بسیاری از این افراد که هویت آنها ثبت نشده در مناطق روستایی زنده‌گی می‌کنند و شرکت یا عدم شرکت آنها در انتخابات به نظر مستقیم و اجازه مردان خانواده‌هایشان بستگی دارد.

همسایه‌یی که مناسبات و آداب همسایه‌گی را به نیکی و درستی انجام دهد و اگر مرهمی بر زخم‌های همسایه خود شده نمی‌تواند، خنجری بر زخم او هم نباشد.

پاکستان متأسفانه در سه دهه اخیر، همسایه خوبی برای افغانستان نبوده است. زمام‌داران طماع و تمامیت‌خواه این کشور همواره تلاش کرده‌اند که افغانستان را بی‌ثبات نگه دارند و از رهگذر قتل و کشتار مردم افغانستان، برای خود امتیازگیری کنند.

حالا پاکستان در برابر آزمون دشواری قرار گرفته است. این کشور یا به یک همسایه خوب برای افغانستان تبدیل خواهد شد و یا به سرنوشت شوم جنگ‌های داخلی محکوم می‌گردد. زیرا بی‌ثبات‌سازی افغانستان، دیگر نمی‌تواند به نفع زمام‌داران پاکستانی تمام شود.

بنیادگرایی و تروریسم، پدیده‌هایی نیستند که بتوان با آنها شوخی کرد. حداقل در همین انتخابات پارلمانی، مردم پاکستان نتایج حمایت از گروه‌های خشونت‌طلب و بنیادگرا را در عمل دیدند و چشیدند. مبارزه با این پدیده‌ها، نیاز به صداقت و همگرایی منطقه‌یی دارد و بدون شک نقش افغانستان در این مبارزه، تعیین‌کننده است.

به پا خواهیم...

حکومت افغانستان از شورای امنیت سازمان ملل متحد چنین تقاضایی نکرده است. شهرهای مختلف افغانستان در دو هفته گذشته شاهد مظاهرات ضد پاکستانی بوده است. تنش میان دو کشور همسایه پس از آن اوج گرفت که مرزبانان دو کشور در ولسوالی سرحدی گوشته ولایت ننگرهار، به تبادل آتش پرداختند. در این زدوخورد یک پولیس سرحدی افغانستان به نام محمد قاسم، جان باخت.

مظاهره کننده‌گان هراتی از مقام‌های محلی خواستند تا یک جاده مهم در شهر هرات را محمد قاسم بنامند.

تأثیر انتخابات پاکستان...

افغانستان، به عنوان نخست‌وزیر پاکستان ایفای وظیفه می‌کرد. هنوز خاطرات آن زمان، دل‌های بسیاری از شهروندان افغانستان را به درد می‌آورد. آقای شریف در آن زمان با وقاحت تمام بیان کرد که یکی از دستاوردهای عمده دوره نخست‌وزیری‌اش برای پاکستان، انهدام نظام اداری و نظامی افغانستان بوده است. آقای شریف در آن سال‌ها که تازه مجاهدین قدرت سیاسی را در افغانستان به دست گرفته بودند و با هزار و یک مشکل داخلی دست‌وپنجه نرم می‌کردند، به گونه مستقیم در نامی‌ها و جنگ‌های داخلی در افغانستان دست داشت و به اصطلاح «آتش بیار معرکه» بود.

حالا با آن تجربه تلخ از زمام‌داری آقای شریف، چه‌گونه می‌توان به وعده‌های او باور کرد؟ آیا او متوجه مسایل حساسی که در منطقه در حال شکل‌گیری است، شده است؟ آیا او می‌خواهد دیگر نگاه برادر بزرگ‌تر به برادر کوچک‌تر را نسبت به افغانستان کنار بگذارد و به این کشور به عنوان عمق استراتژیک پاکستان، نگاه نکند؟ بدون شک افغانستان نیاز به یک همسایه خوب و باوقار در جنوب و شرق خود دارد؛

به پا خواهیم...

پاکستان به روز یکشنبه ده‌ها راکت را به طرف ولایت کتر افغانستان، شلیک کردند. هنوز از خسارات جانی و مالی این راکت‌ها، خبری در دست نیست.

مظاهره کننده‌گان هراتی هشدار دادند در صورتی که نظامیان پاکستانی به حملات راکتی‌شان ادامه بدهند، افغان‌ها برای دفاع از کشورشان به پا خواهند ایستاد.

اگر چه مظاهره کننده‌گان هراتی بر مداخلت ناتو و سازمان ملل متحد برای پایان دادن به منازعات مرزی تأکید ورزیدند، اما تا حال

با ما در جنگ با تروریسم...

افراطیت نجات یابند. در مقابل میان نواز شریف در این تماس تیلیفونی ضمن تشکری از رییس جمهور کشور، گفت که از آغاز کمپاین انتخاباتی خود، در بیانات و پیام‌های انتخاباتی‌اش، بر دوستی و همکاری با افغانستان تأکید داشته است.

وی بر علاوه این‌که بر همکاری حکومت جدید پاکستان با افغانستان در امر مبارزه با تروریسم تأکید کرد، گفت که پاکستان آماده هر گونه همکاری با افغانستان می‌باشد.

طالبان از مناطق مرزی پاکستان به عنوان پناهگاهی برای حمله به سراسر جنوب و شرق افغانستان استفاده می‌کنند و عناصر پاکستانی متهم به حمایت تاکتیکی از این افراطیون تندرو معرفی می‌شوند.

پاکستان اکنون از شورش طالبان در داخل این کشور رنج می‌برد و افغانستان را متهم به تأمین پناهگاه برای بعضی فرماندهان تحت تعقیب کرده‌اند.

اما افغانستان، پاکستان را متهم به تحمیل شروط غیر ممکن برای مذاکره صلح می‌کند و درگیری‌های مرزی با مقیاس کم بین دو کشور به عنوان آخرین نشانه تنش‌ها شدت یافته است.

گمان آن نمی‌رود که پیروزی نواز شریف در انتخابات، تغییر ریشه‌یی در سیاست پاکستان در خصوص افغانستان ایجاد کند. مذاکرات صلح همچنین به خاطر امتناع طالبان از مذاکره با کزری آغاز نشده است؛ طالبان کزری را عروسک خیمه شب بازی امریکا می‌دانند و او را رد می‌کنند.

اسلام آباد در سال‌های ۲۰۰۱ تا ۱۹۹۶ از رژیم طالبان در افغانستان حمایت کرد و قابل معتقد است که روابط نزدیک این کشور با رهبران شبه نظامی حفظ شده است.

بازداشت یک گروه آدم‌ربا در هرات



علی سینا، پسر هشت‌ساله یک بازرگان، اعتراض‌ها نسبت به افزایش موارد آدم‌ربایی در هرات بلند شد و این کودک به نماد قربانیان آدم‌ربایی تبدیل شد.

با گسترده شدن اعتراض‌ها، حامد کزری رییس جمهوری شخصاً با نصیراحمد نوزی، پدر علی سینا گفت‌وگوی تلفنی کرد و به او اطمینان داد که عاملان قتل پسرش را مجازات می‌کند.

آقای کزری از دادگاه نیز خواست که این موضوع را با جدیت پیگیری کند و به دنبال آن روز ۲ حوت دادگاهی در هرات دو تن از عاملان اصلی قتل علی سینا را محکوم به اعدام کرد.

پس از آن شهر هرات آرام بود، اما با انتشار خبر آدم‌ربایی اخیر، نگرانی از وضع نا امن هرات باردیگر افزایش یافت.

مقام‌های هرات می‌گویند که نیروهای امنیتی در بازداشت گروه هفت نفری آدم‌ربایان سرعت عمل داشته‌اند و تنها دو روز پس از آدم‌ربایی در شهرک جبرئیل، عاملان این آدم‌ربایی را بازداشت کردند.

مقام‌های ولایت هرات گفته اند که نیروهای امنیتی یک گروه هفت‌نفری آدم‌ربایان را بازداشت کرده‌اند.

محمی‌الدین نوری، سخنگوی والی هرات به بی‌بی‌سی گفت که این افراد سه روز پیش پسر هجده ساله یک بازرگان را در بازار شهرک جبرئیل کشتند و پسر دیگر او را ربودند.

به گفته او، آدم‌ربایان این فرد را روز ۱۹ ثور ربودند و یکی از آدم‌ربایان مبلغ سیصد هزار دالر از خانواده قربانی در بدل آزادی او می‌طلبید.

اما مأموران اداره امنیت ملی در عملیاتی موفق شدند هفت تن از آدم‌ربایان را بازداشت کنند و فردی را که درگروگان آنها بود نیز سالم آزاد کنند.

آقای نوری افزود که مجموع آدم‌ربایان ۹ تن بودند که دو تن دیگر آنها فراری هستند.

آدم‌ربایی در هرات با وقوع چندین مورد از این نوع جرم، به یک معضل اجتماعی و امنیتی در این شهر تبدیل شده است. زمستان گذشته در پی ربوده شدن و قتل

Mandegar

تأثیر انتخابات پاکستان بر کشورهای همسایه



انتخابات پارلمانی پاکستان در میان موجی از تنش‌ها و انفجارها در حالی به پایان رسید که نتایج اولیه، حکایت از پیروزی نواز شریف رهبر حزب مسلم‌لیگ دارد. انتقال قدرت از یک حکومت غیرنظامی به یک حکومت منتخب پس از ۶۶ سال، نشان از آن دارد که این کشور همواره از بدو پیدایش تا به امروز دچار نظامی‌گری و حکومت‌های کودتایی بوده است.

بود و یک بار دیگر بر کرسی نخست‌وزیری این کشور تکیه خواهد زد.

البته پیش از برگزاری انتخابات پارلمانی، همه احزاب شرکت‌کننده به یک مسأله پی برده بودند و آن این‌که موضوع افغانستان به عنوان یک آجندای انتخاباتی، می‌تواند برای شان اهمیت داشته باشد. آقای شریف از نخستین ساعتی که اعلام آمادگی برای شرکت در انتخابات کرد، بر حل مشکل افغانستان از راه مذاکره و گفت‌وگو تأکید ورزید و وعده سپرد که در صورت پیروزی، از تمام امکانات برای حل مشکلات امنیتی و مرزی میان دو کشور استفاده خواهد کرد. اما از قول تا عمل، همواره فاصله بوده است و از گذشته‌های دور می‌گفتند که به وعده‌های انتخاباتی، نباید زیاد دل خوش کرد.

آقای شریف در زمان حساسی از تاریخ... ادامه صفحه ۷

مردم پاکستان در حالی به پای صندوق‌های رأی رفتند که طالبان و احزاب تندرو مذهبی این کشور که با مفاهیم جهان مدرن سر جنگ دارند، بر تحریم انتخابات تأکید داشتند و مردم را از رفتن به سوی حوزه‌های رأی‌گیری، منع می‌کردند. ولی با همه این هشدارها و تشنج‌هایی که انجام شد، انتخابات پارلمانی به پایان رسید و حالا مردم پاکستان در انتظار نتایج نهایی این انتخابات استند که در نتیجه آن، هر حزبی که بیشترین کرسی‌ها را در پارلمان از آن خود کرده باشد، موظف به تشکیل حکومت می‌شود.

نتیجه نهایی انتخابات پاکستان، بدون شک می‌تواند برای همسایه‌های این کشور و به‌ویژه افغانستان حایز اهمیت باشد. در حال حاضر چنین به نظر می‌رسد که آقای شریف رهبر حزب مسلم‌لیگ پاکستان، پیروز این انتخابات خواهد

سیلاب در بدخشان ده‌ها خانه را ویران کرد

به اثر سیلاب‌های شدید در بدخشان، ده‌ها خانه مسکونی و صدها جریب زمین تخریب شده و خسارات سنگین بر مردم محل وارد شده است.

این سیلاب‌ها که در ولسوالی جرم بدخشان، روز شنبه آغاز شد و در طول شب گذشته نیز ادامه داشت، ۳۲ خانه مسکونی را با خود برده است.

عبدالجبار مصدق ولسوال جرم به بست باستان گفت که به اثر باران‌های پی هم چندین ساعته در این ولسوالی، سیلاب شدید جاری شد که علاوه بر تخریب خانه‌های مردم، صدها جریب زمین زیرکشت و همچنان دو کانال آب رسانی بکلی از بین رفته اند.

وی گفت که تاکنون از تلفات انسانی و مواشی گزارش در یافت نکرده است اما خسارات سنگین بر مردم این محل که شغل کشاورزی دارند، واقع شده است.

صنایع الله رییس مبارزه با حوادث طبیعی بدخشان گفت که تاکنون مقدار البسه از قبیل کمپل، فرش و لباس‌های گرم که قبلاً در این محل ذخیره شده بود، به خانواده ها توزیع شده است.

به گفته وی، هیاتی نیز در ساحة فرستاده شده تا میزان خسارات رسیده به مردم را بررسی کند.

بدخشان، از جمله ولایت‌های شمالی کشور است که بیشتر ولسوالی‌های آن در مناطق دور دست قرار دارد و نداشتن راه مواصلاتی یکی از مشکلات است که در حالات اضطرار کمک رسانی به آن مناطق به سختی صورت می‌گیرد.

با بلند شدن آفتاب ستاره‌ها نا پدید میشوند
When Sun Rises the Stars Disappear

رادیو آموزگار 101.3FM
شرکت رادیو آموزگار در کابل و ولایت مرکزی افغانستان

Contact Us:
info@amuzgarfm.com
www.amuzgarfm.com
+93 (0) 772929111
+93 (0) 799 879 879

کنفرانس اجندای ملی

ریفورم سیاسی و ایجاد صلح پایدار در افغانستان

با در نظر داشت اوضاع جاری در افغانستان و نزدیک شدن سال ۱۳۹۳ / ۲۰۱۴ زمان خروج نیروهای بین‌المللی از کشور، و به منظور بهبود روند جاری در افغانستان، بنیاد شهید احمدشاه مسعود بنا بر مسوولیت ملی خویش و به سلسله تلاش‌های پیگیرش، به‌هدف ایجاد نزدیکی و تفاهم میان نخبگان کشور در محور یک اجندای ملی، تدویر یک نشست بین‌الافغانی را در نظر دارد. بدین منظور، از همه نخبگان سیاسی، فرهنگی و اجتماعی کشور که به‌خاطر جستجوی راه‌حل ملی تلاش فراوان داشته‌اند، ارادتمندانه تقاضا داریم که از اشتراک و سهم‌گیری خویش در این نشست، دفتر مرکزی بنیاد شهید مسعود را قبلاً اطلاع دهند.

دفتر مرکزی بنیاد شهید احمدشاه مسعود

ایمیل و شماره‌های تماس:

awmasoud@hotmail.co.uk - ۰۷۰۰۰۵۰۰۰۰

rowzana@yahoo.com - ۰۷۰۰۲۷۷۷۸۱

mandegar.daily@gmail.com - ۰۷۵۲۰۴۴۲۱۰

۰۷۰۰۲۶۳۱۵۲

استقلال، ایستادی، پویایی، شکوفایی



موسسه تحصیلات عالی استقلال در رشته های زیر محصل می پذیرد:

انجمنی (سول، نیوزی، برن، میخانیک) ۱۴۰۰۰ افغانی به صورت الفابط

کامپیوتر ساینس (کامپیوتر، تکنالوجی معلوماتی، IT) ۱۴۰۰۰ افغانی به صورت الفابط

حقوق (حقوق فضا و جارتوالی، حقوق نامه و خاصه) ۱۰۰۰۰ افغانی بصورت الفابط

اقتصاد (مدیریت اقتصاد، اداره و تجارت) ۱۰۰۰۰ افغانی به صورت الفابط

ثبت نام جریان دارد

زمان نام نویسی: از ساعت ۸ صبح الی ۷ عصر

آدرس: افغانستان، کابل، چهارراه بل سرخ مقابل عزیز ی بانک

شماره های تماس: ۰۷۹۸۹۰۹۰۲۶ - ۰۷۸۳۳۳۶۰۹

روزنامه ماندگار برای سال جاری خورشیدی مشترک می‌پذیرد

دفاتر خارجی

سه ماهه - ۱۰۰ دالر

شش ماهه - ۲۰۰ دالر

نه ماهه - ۳۰۰ دالر

یک ساله - ۴۰۰ دالر



تاریخیده به منزل یا دفاتر

سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی

شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی

نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی

یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

برای دفاتر

سه ماهه - ۱۲۵۰ افغانی

شش ماهه - ۲۵۰۰ افغانی

نه ماهه - ۳۷۵۰ افغانی

یک ساله - ۵۰۰۰ افغانی



برای دانشجویان و اساتید دانشگاه

سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی

شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی

نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی

یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی



حساب بانکی روزنامه ماندگار در میوند بانک: Mandegar daily Bank Account in Maiwand- Bank: 1001201077988

برای اشتراک در روزنامه با این شماره‌ها به تماس شوید: ۰۷۸۴۳۰۱۶۶۰ - ۰۷۷۶۹۳۰۵۶۵